

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای مسجد در قرآن

سیمای مسجد در قرآن

مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها - گروه پژوهش‌های کاربردی

سیمای مسجد در قرآن / تهیه و تنظیم: گروه پژوهش‌های کاربردی دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.

قم؛ تهران: ثقلین، ۱۳۸۷

۱۵۸ ص. - (انتشارات ثقلین؛ ۵۱)

EAN 9789649960173

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۱۵۷ - ۱۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس:

۱. مسجدها - جنبه‌های قرآنی. الف. مرکز رسیدگی به امور مساجد. دفتر مطالعات و پژوهش‌ها. گروه پژوهش‌های کاربردی.

۲۹۷/۱۵۹

BP ۱۰۴/م ۵

سیمای مسجد در قرآن

- ناشر: انتشارات ثقلین
- تهیه و تنظیم: گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد
- حروفچینی و ناظر چاپ: عباس رحیمی
- لیتوگرافی و چاپ: چاپ نینوا - قم
- قطع و تعداد صفحه: رقی - ۱۵۸ صفحه
- چاپ و تیراژ: چاپ اول - ۵۰۰۰ نسخه
- تاریخ: آبان ۱۳۸۷



نشانی:

انتشارات ثقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه

کوچه شماره ۳۳ - پلاک ۱۳

تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ - دورنویس ۷۷۳۲۸۶۴

مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم و سوم

خیابان ۱۸۲ غربی - پلاک ۶

تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ - دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شماره شابک ۱-۱۷-۹۹۶۰-۹۶۴

۵	فهرست مطالب
---	-------------

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۱	پیش‌گفتار
۱۵	واژه‌شناسی
۱۷	واژه‌شناسی در قرآن

فصل اول: بنای مساجد

۱۹	اهمیت مسجد
۲۴	ضرورت وجود مساجد
۳۰	بنای مساجد
۳۳	قبله مساجد
۳۵	بنای مساجد در کنار قبور

فصل دوم: تخریب مساجد

۳۹	تخریب مساجد
۴۱	کیفر تخریب‌کنندگان مساجد
۴۲	مبارزه با تخریب‌کنندگان مساجد

۶ سیمای مسجد در قرآن

فصل سوم: تعمیر و تولیت مساجد

۴۵	تعمیر و تولیت مساجد
۴۸	شرایط تعمیرکنندگان و متولیان مساجد
۴۸	۱ و ۲- ایمان به خدا و معاد
۵۰	۳- اخلاص
۵۱	۴- تقوا
۵۲	۵- شجاعت
۵۴	۶ و ۷- اقامه نماز و پرداخت زکات
۵۵	سه نکته
۵۶	وظایف متولیان مساجد
۵۷	منزلت متولیان مساجد

فصل چهارم: حضور در مساجد

۵۹	حضور در مساجد
۶۲	آداب حضور در مساجد
۶۳	۱- اجتناب از شرک
۶۶	۲- اجتناب از هر نوع ناپاکی
۷۰	۳- اظهار خضوع و خشوع
۷۱	۴- استفاده از زینت
۷۳	زینت‌های مادی و معنوی
۷۳	اسراف در استفاده از زینت‌ها
۷۴	دو نکته

فصل پنجم: ویژگی‌ها و پاداش مسجدیان

۷۵	الف) ویژگی‌های مسجدیان
۷۷	ب) پاداش مسجدیان

۷	فهرست مطالب
---	-------------

فصل ششم: احکام مسجد

۷۹	۱- بنای مسجد
۸۰	۲- تولیت مساجد
۸۱	۳- ورود به مسجد
۸۲	۴- حضور در مساجد
۸۳	۵- مبارزه با مساجد

فصل هفتم: کارکردهای مساجد

۸۵	الف) عبادی
۹۳	اعتکاف در مساجد
۱۰۱	ب) تربیتی
۱۰۸	ج) اجتماعی
۱۱۱	د) اقتصادی

فصل هشتم: مسجد در ادیان

۱۱۵	مسجد فرشتگان
۱۱۶	مسجد در آیین ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	مسجد در آیین موسی <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	مسجد در آیین داوود و سلیمان <small>علیهم السلام</small>
۱۲۴	مسجد در آیین زکریا <small>علیه السلام</small>
۱۲۴	مسجد در عصر اصحاب کهف
۱۲۶	مساجد خاص در قرآن
۱۲۶	سه مسجد نامبرده در قرآن

فصل نهم: مسجد الحرام

۱۲۷	قداست مسجد الحرام
۱۲۸	محوریت مسجد الحرام
۱۲۹	محدوده مسجد الحرام
۱۳۱	جهان شمولی مسجد الحرام
۱۳۱	امنیت مسجد الحرام
۱۳۲	جنگ و دفاع در مسجد الحرام
۱۳۳	تولیت و تعمیر مسجد الحرام
۱۳۶	شرایط تولیت مسجد الحرام
۱۳۷	مشرکان و مسجد الحرام

فصل دهم: مسجد قبا

۱۴۳	ساخت مسجد قبا
۱۴۴	فضیلت مسجد قبا
۱۴۵	اوصاف مسجد قبا

فصل یازدهم: مسجد ضرار

۱۴۷	مسجد ضرار
۱۴۸	بنای مسجد ضرار
۱۴۹	اهداف سازندگان مسجد ضرار
۱۵۲	توجیه مسجد ساخت ضرار
۱۵۳	برخورد با مسجد ضرار و سازندگان آن
۱۵۵	فرجام مساجد ضرار و بانیان آن
۱۵۷	فهرست منابع

سخن ناشر

آخرین سروش آسمانی یعنی قرآن کریم برای رساندن انسان‌ها به کمال و ارائه راه سعادت دنیا و آخرت به آنان نازل گردیده است. نگاه قرآن به مساجد به عنوان پایگاه‌های مستحکم دین و توجه به ابعاد گوناگون آن انتشارات ثقلین را که هدفش تعمیق و گسترش فرهنگ قرآن و اهل بیت پیامبر ﷺ می‌باشد را وا داشت تا این اثر گرانسنگ را تحت عنوان «سیمای مسجد در قرآن» منتشر نماید. امید است مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

انتشارات ثقلین

سیمای مسجد در قرآن ۱۰

پیش‌گفتار

سه سال بود که انتظارش را می‌کشیدند و در نمازها و دعا‌های خود نام او را می‌بردند و از خدا می‌خواستند که هرچه زودتر او را ببینند و در کنارش باشند و از نفس قدسی او روح تازه‌ای یابند و معنای زندگی را دوباره با تمام وجود دریابند.

اکنون لحظه انتظار بسر رسیده بود همه در دروازه ورودی شهر جمع شده بودند جمعیتی انبوه از زن و مرد که به نقطه دور دستی خیره شده بودند نفس‌ها در سینه‌ها حبس شده بود و هیچ حرکت نمی‌کردند، ناگهان بغض شهر ترکیب و فریاد اشک و شوق، شادی و شور تمام جمعیت را فراگرفت. از دوردست‌ها کامل مردی مهربان سوار بر ناقه‌ای خوش رکاب دیده می‌شد که آرام‌آرام به سمت شهر حرکت می‌کرد؛ مرد و زن، کوچک و بزرگ طاقت از کف برفت و هروله کنان به سمت او رفتند و هل‌هله کنان او را با ناقه‌اش در آغوش گرفتند.^۱

۱. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۶۳.

او رسول مهربانی‌ها بود که به شهر یثرب وارد شده بود و مردم مهمان‌نواز یثرب به یمن قدم مبارک آن حضرت نام شهر را تغییر دادند و به نام مدینه الرسول نامیدند.

هنوز چند ماهی از هجرت نگذشته بود که رسول مهربانی‌ها دستور دادند اولین مرکز چند منظوره اسلامی در مدینه در نزدیک منزل خودش بنا نهاده شود و به نام مسجد خوانده شود.^۱

مسجد مدینه روز به روز بر اهمیت و اقتدارش افزوده می‌شد و طولی نکشید که به محور و نقطه مرکزی شهر تبدیل گردید و قرآن سیمای زیبایی از آن ترسیم کرد و کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی برجسته‌ای از خود به یادگار گذاشت که بسیاری از آنها در کتاب‌ها و منابع تاریخی ضبط و ثبت شده است.

همین نقش برجسته و کاربری‌ها و کردهای‌های متنوع مسجد بود که در میان مسلمانان جنب و جوشی وصف ناشدنی برآورد و چنان مسلمانان را مجذوب خویش ساخت که به سرعت نهضت مسجدسازی در میان شهرها و روستاها و قبایل آغاز گشت و سبقت در مسجدسازی و همکاری و همیاری در آن جزء افتخارات مسلمانان شد و از شرق عالم تا غرب آن، منطقه مسلمان‌نشین را با مسجد می‌شناختند و مسلمانان همه آداب و رسوم و آموزش و تربیت و هنر و... خود را از مسجد و با مسجد شروع می‌کردند.

۱. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۶۸.

این نقش بی‌بدیل مساجد، یک‌بار دیگر در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران تجربه شد سپس در سال‌های دفاع مقدس نیز این نقش بی‌بدیل برای چندمین بار تکرار شد.

واقعیت این است که هم‌اکنون برابر با آمار منتشر شده فقط در ایران بیش از ۷۰/۰۰۰ مسجد^۱ وجود دارد که بالغ بر ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ متر مربع زمین دارد و بیش از ۱۷/۰۰۰/۰۰۰ متر مربع زیر بنا دارد.

این حجم عظیم از ساخت و ساز بنای معنوی فقط در ایران اقتضاء می‌کند در این واقعیت تدبر نمود که این حجم باورنکردنی از مساجد هم‌اکنون چه مقدار از کارکردها و نقش‌های خود را ایفا می‌کنند و چه مقدار از آنها استفاده می‌شود.^۲

واقعیت این است که این مساجد دیگر کاربری و کارکرد خود را همانند صدر اسلام و در دوران انقلاب و دفاع مقدس ندارند این حقیقت نیز مشهود است که آیین‌های عبادی نیز در مساجد با چالش عدم استقبال مطلوب روبرو است.

۱. ماهنامه مسجد، ش ۷۳، ص ۳۲۰.

۲. فروغ مسجد، ج ۳، ص ۱۴۳.

چه باید کرد؟

بیاییم یکبار دیگر به سیمای مسجد در قرآن اعم از بنا، تخریب، تعمیر، حضور در مساجد و نیز ویژگی‌ها و پاداش مسجیدیان، احکام، کارکردها و همچنین سیمای مسجد در ادیان ابراهیمی و سه مسجد مطرح در قرآن به عنوان الگوی مساجد در صدر اسلام نگاهی دوباره بیندازیم و با الگوبرداری از آنها، دوباره به مسجد رویاوریم و روح خسته از رنج و محنت روزمره‌گی‌های دنیایی هزاره جدید را به عبادت و نیایش خدا بسپاریم.

در پایان از قرآن پژوه گرانقدر و مؤلف این اثر جناب حجة الاسلام والمسلمین محمد مهدی فیروز مهر تشکر و قدردانی می‌نمایم و برایشان از درگاه حضرت احدیت آروزی توفیق می‌نمایم.
ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

دفتر مطالعات و تحقیقات - گروه پژوهش‌های کاربردی

علی رضایی بیرجندی

واژه‌شناسی

مسجد واژه‌ای عربی است که به فتح میم و کسر جیم خوانده می‌شود و اسم مکان است. گرچه برخی براین باورند که این واژه آرامی است و اصل آن مزکت^۱ بوده و در زبان عربی به مسجد تبدیل شده است.^۲

لغت‌شناسان عرب به مکان سجده به صورت خاص و به محل عبادت به صورت عام مسجد گویند؛ برای نمونه به سه تعریف از منابع معتبر لغوی اشاره می‌شود:

۱ - «زجاج» از لغت‌شناسان بنام عرب می‌نویسد:

«كُلُّ مَوْضِعٍ يَتَعَبَّدُ فِيهِ فَهُوَ مَسْجِدٌ».^۳

«هر مکانی که در آن عبادت شود مسجد است».

۱. برخی از فرهنگ‌نویسان مزکت نیز ثبت کرده‌اند اما به مزکت ارجاع داده‌اند،

نگاه کنید: فرهنگ فارسی معین، ج ۳، مدخل مزکت.

۲. ج ۴، ص ۲۰۰۱، مدخل مزکت، برهان قاطع.

۳. تاج العروس، زبیدی، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲ - «ابن منظور» در لسان العرب از «ابن اعرابی» نقل می‌کند که وی معتقد است مسجد به این معنا است:

«المسجد بفتح الجیم، محراب البیوت و مصلى الجماعات».^۱
«مسجد به فتح جیم، محراب خانه‌ها و مکان نماز جماعت است».

۳ - «راغب اصفهانی» بزرگ لغت‌شناس قرآنی نیز در کتاب فحیم مفردات الفاظ القرآن چنین می‌نگارد:

«المسجد موضع الصلاة اعتبارا بالسجود».^۲
«مسجد مکان نماز است به اعتبار سجده آن».

در نتیجه به دلیل اهمیت سجده در عبادت به ویژه سجده نماز، مکان عبادت «نماز» در اسلام مسجد نامیده شده است و این برداشت را روایات نیز تأیید می‌کند در روایتی سجده عالی‌ترین شیوه عبادت انسان در برابر خداوند متعال تلقی شده است:

«السجود منتهی العبادة من بنی آدم».^۳

۱ . لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ص ۲۰۴ .

۲ . مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، ص ۲۷۱ .

۳ . بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴ .

واژه مسجد در قرآن

در قرآن کریم ۲۸ بار واژه «مسجد» بکار رفته است^۱ ۲۲ بار به صورت مفرد و ۶ بار^۲ به صورت جمع «مساجد»؛ البته از این تعداد ۱۵ مورد در باره «مسجد الحرام» است و یکبار در باره «مسجد الاقصی»^۳ و یکبار در باره «مسجد ضرار»^۴.

در قلمرو مفاهیم قرآنی، مسجد اصطلاحی قرآنی است و به مکانی گفته می‌شود که خداوند در آن پرستش شود؛ خواه مسجد دوره اسلامی باشد و خواه معبد قبل از اسلام. برای نمونه به این آیه توجه نمایید که در باره معبد یهودیان است و قرآن اصطلاح مسجد را بکار برده است:

«ولیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة».

«و تا در آن مسجد در آیند چنان‌که بار نخست در

آمدند».^۵

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۵ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۱ و ۱۹۱ و ۱۹۶ و ۲۱۷؛ سوره مائده، آیه ۲؛ سوره اعراف، آیه ۲۹ و ۳۱؛ سوره انفال، آیه ۳۴؛ سوره توبه، آیه ۷ و ۱۹ و ۲۸ و ۱۰۷ و ۱۰۸؛ سوره اسراء، آیه ۱ و ۷؛ سوره کهف، آیه ۲۱؛ سوره حج، آیه ۲۵؛ سوره فتح، آیه ۲۵ و ۲۷.

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۴ و ۱۸۷؛ سوره توبه، آیه ۱۷ و ۱۸؛ سوره حج، آیه ۴۰؛ سوره جن، آیه ۱۸.

۳. سوره اسراء، آیه ۱.

۴. سوره توبه، آیه ۱۰۷.

۵. سوره اسراء، آیه ۷.

البته در همین قلمرو خداوند با توصیف مسجد به اقصی، حرام، ضرار به مرزبندی خاصی در مفهوم این اصطلاح قرآنی اشاره می‌کند. همچنین در منظومه معرفتی قرآن ما با اصطلاح دیگری به نام مصلی سروکار داریم:

«و اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»^۱

«و از جای ایستادن ابراهیم نمازگاه بگیریید».

این اصطلاح ارتباط وثیقی با اصطلاح مسجد دارد و نشانگر این است که کاربرد اصطلاح مصلی در قرآن برای اشاره به کاربری خاص و محدودی است که مصلی در منظر قرآنی دارد در حالی اصطلاح مسجد چنین نیست.

فصل اول: بنای مساجد

اهمیت مسجد

از آیات متعدد قرآن به روشنی استفاده می‌شود مسجد در جامعه دینی اهمیت و ارزش ویژه و بی نظیری دارد؛ بطوری که هیچ کانون و مرکزی در هر مکان و زمان نمی‌تواند هم‌تا یا جایگزین آن باشد. این حقیقت با توجه به فواید، آثار و کارکردهای گوناگون مسجد از نگاه قرآن که در نوشته حاضر بطور مفصل مطرح شده است روشن و قابل اثبات است؛ ولی در برخی آیات قرآن بطور ویژه و با تعبیرهای خاص بیان گردیده است:

الف) آیه ۳۶ سوره نور:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ...».

«[نور و هدایت الهی] در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند

اذن داده است که قدر و منزلت آنها رفعت یابد.».

مقصود از «بیوت» مساجد است^۱ یا این که مساجد از مصادیق روشن و قطعی آنست.^۲ و رفع (آن ترفع) به معنای رفعت قدر و منزلت و تعظیم است.^۳ بنابراین، مساجد خانه‌هایی‌اند که خداوند خواسته است رفعت و منزلت داشته باشند و همواره مورد تعظیم و احترام قرار گیرند. مؤید این مطلب روایاتی است که مساجد را خانه‌های خدا در زمین معرفی کرده است. پیامبر ﷺ فرمود:

«المساجد بیوت الله فی الارض...»^۴.

«مساجد خانه‌های خدا در زمین‌اند».

عظمت و برتری حقیقی، اصالتاً از آن خداست و عظمت و برتری هر چیز دیگر، به اندازه نسبت و ارتباطی است که با او دارند. در آیه یاد شده پس از بیان عظمت و اهمیت مساجد، به راز آن نیز اشاره شده است:

۱. ر.ک: الکشاف، ج ۳، ص ۲۴۲؛ مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۲۲۷.

۲. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶. در برخی روایات، خانه‌های انبیا، ائمه علیهم‌السلام و حکما از مصادیق «فی بیوت اذن الله ان ترفع...» معرفی شده است. (الکافی، ج ۸، ص ۱۱۹؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۹؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۱) در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است که به هنگام تلاوت این آیه، از حضرت پرسیدند منظور چه خانه‌هایی است؟ فرمود: خانه‌های انبیا. ابوبکر پرسید: این خانه (اشاره به خانه علی و فاطمه علیهم‌السلام) کرد) نیز از آن جمله است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «نعم من افاضلها»؛ آری، از برترین آنهاست. (مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۲۲۷؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۲۶؛ روح المعانی، ج ۱۰، جزء ۱۸، ص ۲۵۵).

۳. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۴. مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۲۲۷.

«و يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ».

«و خداوند اذن داده که نام او در آن خانه‌ها برده شود

و هر صبح و شام در آنها تسبیح او گویند».

معنای دو جمله یاد شده این است که دلیل عظمت و اهمیّت مساجد،

ذکر و تسبیح مستمرّ خدا در آنها است. و مرحوم طبرسی دربارهٔ جمله «ان تُرْفَعِ»

می‌گوید: مقصود این است که مساجد را تعظیم نموده و آن را از نجاسات،

معاصی و پلیدی حفظ و پاک نگه دارید.^۱

شایان ذکر است که «فی بیوت اذن الله ان ترفع» شامل همهٔ مساجد می‌شود؛

گرچه همهٔ مساجد در اهمیّت و قداست در یک درجه نیستند بلکه برخی مساجد

از اهمیّت ویژه و خاصی برخوردارند. بنابراین، سخن مفسرانی که گفته‌اند

آیه یاد شده شامل مساجدی است که توسط چند تن از انبیای الهی تأسیس

شده‌اند را می‌توان اشاره به مهم‌ترین و شاخص‌ترین مساجد دانست.

و آن مساجد عبارتند از: کعبه که سازندهٔ آن حضرت ابراهیم و اسماعیل

بودند و مسجد بیت‌المقدس که توسط حضرت سلیمان بنا شده و مسجد مدینه

(مسجد النبی) و مسجد قبا که بنیانگذار آن پیامبر اعظم ﷺ بوده است.^۲

(ب) آیهٔ ۱۸ سورهٔ جنّ:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».

۱. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۲. مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۲۲۷.

«و مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا

نخوانید».

در این آیه، خداوند با تأکید می‌فرماید:

«مساجد از آن خداست».

در این که مقصود از «المساجد» در آیه یاد شده چیست؟ مفسران احتمال‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند، از جمله این که: مقصود از آن، مسجد به معنای معروف و معمول آن (یعنی بناهای خاصی که به نام مسجد شهرت دارند و برای اقامه نماز و بندگی و یاد خدا بنا شده‌اند) است. طبق این تفسیر معنای آیه این است که: مسجدها مختص به خداوند است، پس در آن غیر او را پرستش نکنید اگر چه از مفسران گفته‌اند: مقصود از «المساجد» در آیه مذکور تمام نقاط زمین است؛ زیرا پیامبر ﷺ فرمود:

«جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا».^۲

«زمین برای من مسجد و محل سجده قرار داده شده

است».

در این صورت معنای آیه این می‌شود: مساجد (زمین) از آن خداست

پس در آن غیر خدا را پرستش نکنید.

۱. زبدة البيان، ص ۸۱.

۲. همان.

خواه مقصود از «المساجد» در این آیه به معنای خاص آن باشد و خواه به معنای تمام نقاط زمین، آنچه مهم است این است که در مساجد باید از هر نوع افکار و اعمال از قبیل شرک و ریا و توجه به غیر خدا که عظمت و احترام مساجد را از بین می‌برد دوری شود. در همین راستا یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود:

«مورد لعنت است، مورد لعنت است کسی که مساجد را احترام نکند. ای یونس! آیا می‌دانی چرا خداوند حق مساجد را بزرگ شمرد و آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» را نازل کرد؟ زیرا یهود و نصارا هنگامی که وارد عبادتگاه خود می‌شدند برای خدای تعالی شریک قرار می‌دادند [در ردّ آنان] خدای سبحان پیامبرش را فرمان داد که در مساجد خدا را یگانه بداند و تنها او را بپرستد».^۱

خداوند به اولین مسجد بنا شده در زمین سوگند یاد کرده است که نشانه اهمیت و عظمت آن است. مرحوم طبرسی می‌گوید: برخی مفسران گفته‌اند مقصود از «وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» و سوگند به خانه آباد^۲ کعبه و بیت الحرام است

۱. ملعون، ملعون من لم يُوقر المساجد. تدری یا یونس لم عظم الله حق المساجد و انزل هذه الآية «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؟ كانت اليهود والنصارى اذا دخلوا كنائسهم اشركوا بالله تعالى فامر الله سبحانه نبيه ان يوحد الله فيها ويعبده. (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۵).

۲. سورة طور، آية ۴.

که همواره با انجام حج و عمره آباد است و این، اولین مسجد بنا شده برای عبادت در زمین است.^۱

البته در روایات متعدد و بنا به نظر بسیاری از مفسران «البيت المعمور» خانه‌ای است در آسمان چهارم یا آسمان دنیا، محاذی کعبه که همواره با حضور و عبادت انبوهی از فرشتگان معمور و آباد است.^۲ طبق این تفسیر هم می‌توان گفت سوگند به آن، سوگند به کعبه نیز به حساب می‌آید چرا که کعبه تنزل یافته و تجسم آنست.^۳

علاوه بر آیات یاد شده، خداوند در قرآن در موارد متعدد، این مراکز مقدس را «مساجد الله؛ مسجدهای خدا» نامیده^۴ و آن را به نام مبارکش اضافه کرده است و این نشان دهنده لطف و عنایت خاص او به این اماکن و اهمیّت و عظمت آن است.

نیاز به مساجد

آیات قرآن و سنت پیامبر اعظم ﷺ گویای این حقیقت است که جامعه دینی و اسلامی تنها با محوریت مسجد شکل می‌گیرد و تأسیس مسجد از اولین

۱. مجمع البیان، ج ۹- ۱۰، ص ۲۴۷ نیز ر.ک: المیزان، ج ۱۹، ص ۶.

۲. همان.

۳. در مورد مسجد بودن کعبه و سابقه آن، رجوع شود به مبحث مسجد در ادیان مسجد در آیین ابراهیم ﷺ در همین کتاب.

۴. سوره بقره، آیه ۱۱۴؛ سوره توبه، آیه ۱۷ و ۱۸.

فصل اول: بنای مساجد ۲۵

نیازهای جدی جوامع دینی و توحیدی است. پیامبر ﷺ پس از هجرت از مکه به مدینه در اولین اقدام دو مسجد قبا و مسجد مدینه (مسجد النبی) را بنا کرد و با محوریت مسجد به سایر امور سامان بخشیده است. حضرت پس از ورود به قریه قبا کرد که در شش کیلومتری مدینه آن عصر قرار داشت مسجد قبا را ساخت و آن را مرکز فعالیت‌های چند روزه خود که در آنجا اقامت داشت قرار داده بود.

مفسران^۱ آیه ۱۰۸ سوره توبه را مربوط به این مسجد (مسجد قبا)

دانسته‌اند:

«لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»

«آن مسجدی که روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.»

پیامبر ﷺ پس از تأسیس مسجد قبا و اقامت چند روزه در آنجا، روانه مدینه شد و در اولین گام مسجد النبی را ساخت و آن را مرکز و محور تمام فعالیت‌های خود قرار داده است و حتی حجره‌ها و خانه‌های خود را در کنار

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۲۷؛ جامع البیان، ج ۱۱، ص ۳۸؛ المیزان، ج ۹، ص ۳۹۰.

دیوار مسجد بنا کرد و بدین ترتیب یثرب^۱ با مرکزیت مسجد به یک جامعه دینی ایده‌آل تبدیل شده و به مدینه‌النبی یا مدینه‌الرسول (شهر پیامبر ﷺ) شهرت یافت. و برخی مفسران آیه یاد شده را اشاره به همین مسجد (مسجدالنبی) دانسته‌اند.^۲

در آیه ۸۷ سوره یونس آمده:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا
وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ».

«وبه موسی و برادرش [هارون] وحی کردیم که: برای قوم خود خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌هایتان را رو به قبله قرار دهید و نماز را برپا دارید».^۳

برخی مفسران در تفسیر و تبیین آیه یاد شده گفته‌اند: موسی ﷺ پس از نابودی فرعون وارد مصر شد و او و برادرش هارون مأمور شدند بنی اسرائیل را برای تهیه و بنای مساجدی که مرکز یاد و عبادت خدا باشد راهنمایی نمایند و آنها موظف بودند مساجدشان را به سمت قبله یعنی کعبه بسازند.^۴

۱. نام مدینه پیش از اسلام.

۲. مجمع‌البیان، ج ۵-۶، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۳. سوره یونس، آیه ۸۷.

۴. مجمع‌البیان، ج ۵-۶، ص ۱۱۰-۱۱۱.

برخی دیگر از مفسران درباره آیه یاد شده گفته‌اند: فرعون فرمان داده بود مساجد بنی اسرائیل در مصر تخریب شود و آنان را از اقامه نماز منع کرده بود؛ لذا بنی اسرائیل مأمور شدند در خانه‌های خود مسجد و محل اقامه نماز تعبیه نمایند و نمازهای خود را در آن برگزار کنند.

جمله «واقیموا الصلوة» می‌تواند قرینه‌ای باشد براین که مقصود از «تبوءا لقومكما بمصر بیوتا» ساختن مسجد باشد.

این تفسیرها گویای این حقیقت‌اند که داشتن مساجد، از اولین ضرورت‌های جوامع دینی است؛ زیرا موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام موظف بودند در اولین فرصت به دست آمده پس از نابودی جبار عصر خود فرعون اقدام به ساخت مساجد مناسب بنمایند، همان‌گونه که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در اولین فرصت به دست آمده پس از هجرت، دو مسجد قبا و مسجد مدینه را تأسیس کرد و با مرکزیت مسجد آیین خود را گسترش داده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از تولد فرزندش اسماعیل علیه السلام مأمور شد او و مادرش را در یک مکانی دور از سرزمین شام اسکان دهد. حضرت با خانواده‌اش حرکت کرد تا این‌که به کنار خانه خدا در سرزمین بی‌آب و علف مکه رسید و ایشان را در جوار خانه خدا اسکان داد.^۱ گرچه ابراهیم خلیل علیه السلام مکه آن روز را سرزمین لم یررع و بی‌آب و علف نامید و واقعاً زندگی در چنین مکانی دشوار و طاقت‌فرسا بود آنهم برای یک زن

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۳۹۰.

و یک کودک؛ اما آنچه برای او جلب توجه می‌کرد این بود که آنان را در کنار خانه خدا اسکان داده است و از خدای سبحان می‌خواهد که آن سرزمین تبدیل به جامعه آباد شود:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»^۱

«پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین، بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند».

و حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که به کمک فرزندش اسماعیل علیه السلام خانه خدا را تجدید بنا می‌کردند از خدای حکیم می‌خواهند از نسل‌شان امتی تسلیم در برابر خدا پدید آورد و پیامبری از میان آنها برایشان برانگیخته شود:

«و به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند؛ (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده؛ و از دودمان ما، امتی که تسلیم

فرمانت باشند، (به وجود آور)... پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی».^۱

و این همه، تدبیر و تلاشی بود برای پیدایش جامعه بزرگ اسلامی و اُمت اسلام و پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با محوریت خانه خدا یعنی کعبه، که محور همه مساجد و خانه‌های خدا در تمام کره خاکی است.

نتیجه این‌که، آیات قرآن الهام‌بخش این حقیقت‌اند که هرگاه مؤمنان بخواهند مکانی را برای سکونت و زندگی انتخاب کنند ابتدا باید به فکر مسجد باشند و با محوریت مسجد زندگی کنند.

زیرا همان‌گونه که از آیات قرآن استفاده می‌شود مسجد محل ذکر و یاد خداست،^۲ و ذکر و یاد خدا تنها راه آرامش بشر مضطرب و سرگردان در وادی مادیت است:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳

«آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

بنابراین وجود مساجد و معابد در شهرها و آبادی‌ها مایه آرامش و مانع زوال و نابودی آنها است.

۱. سوره بقره، آیات ۱۲۷ - ۱۲۹.

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۴؛ سوره حج، آیه ۴۰؛ سوره نور، آیه ۳۶.

۳. سوره رعد، آیه ۲۸.

در سخنی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

«هرگاه خدا اراده می‌کند که اهل زمین را به عذابی گرفتار نماید می‌فرماید: اگر نبودند کسانی که بواسطه جلال و شکوه من محبت می‌ورزند و مساجد مرا آباد و در سحرگاهان استغفار می‌کنند قطعاً عذابم را نازل می‌کردم».^۱

بنای مساجد

ساخت مسجد از امور بسیار ارزشمند و نوعی عبادت به‌شمار می‌آید و در معارف و روایات اسلامی تأکید و تشویق فراوانی براین کار شده است.^۲ بنا به نظر عده‌ای از مفسران در تفسیر آیه ۳۶ سوره نور، خداوند بالخصوص درباره آن دستور داده است:

«فی بیوت اذن الله ان ترفع...»

«[نور و هدایت الهی] در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند فرمان داده است که آن را بنا نمایند».

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۵.

۲. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳ (ابواب احکام المساجد، باب استحباب بناء المساجد).

مقصود از «بیوت» در این آیه مساجد است^۱ و یا این که مساجد از مصادیق بارز و آشکار آنست^۲ و «إِذْن» در «أَذِنَ اللَّهُ» به معنای امر و فرمان و منظور از «رفع» در «آن ترفع» ساختن و بنا کردن است.^۳

با این بیان، معنای آیه این است که: مساجد خانه‌هایی هستند که خداوند فرمان داده که ساخته شوند.^۴

افزون بر این، خدای تعالی صحنه ساخت اولین مسجد بناه شده در زمین و حال و هوای ستودنی سازندگان آن را به عنوان یک خاطره به یاد ماندنی، یاد کرده است:

﴿وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.^۵

«و به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند؛ (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی».^۶

۱. مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۲۲۷؛ الکشاف، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۳. الکشاف، ج ۳، ص ۲۴۲. گفتمی است که برای «ان ترفع» معانی دیگری نیز ذکر شده که برخی از آن در مبحث اهمیت ذکر شده و یک مورد از آن در مبحث کارکردهای مسجد تحت عنوان «حاجت خواهی» مطرح گردیده است.

۴. این معنا از ابن عباس که از مفسران سرشناس صدر اسلام است نقل شده است. (همان)

۵. سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۶. در مورد مسجد بودن کعبه و سابقه آن، رجوع شود به مبحث مسجد در آیین ابراهیم علیه السلام در همین نوشته.

و نیز قرآن از اولین مسجد بنا شده توسط پیامبر ﷺ مسجد قباء به نیکی یاد کرده و تشویق به حضور و عبادت در آن شده است:

«... لِمَسْجِدٍ أُبَسَّ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...»^۱

«همانا مسجدی که از روز نخست براساس تقوا بنا نهاده

شده سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی».

و در مورد سلیمان عليه السلام در قرآن می خوانیم که: خدای تعالی عده‌ای از

جنیان را مسخر او ساخته بود که برایش محراب‌ها و مساجد می ساختند:^۲

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ... وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ

... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرَبٍ...»^۳

«و باد را به تسخیر سلیمان درآوردیم ... و نیز گروهی از

جنّ را که به فرمان پروردگارشان در برابر او کار می کردند...

و برایش هرچه می خواست از محراب‌ها و ... می ساختند».

از این آیات و تمام آیاتی که در آنها به نوعی بحث مسجد مطرح شده

استفاده می شود ساختن مسجد از نگاه قرآن نه تنها یک امر مطلوب،

بلکه مورد امر و فرمان خدای سبحان و یک ضرورت است.

۱ . سوره توبه، آیه ۱۰۸ .

۲ . درباره معنای محراب و محاریب، رجوع شود به مبحث، مسجد در آیین داوود

و سلیمان عليه السلام در نوشته حاضر.

۳ . سوره سبأ، آیه ۱۲ - ۱۳ .

قبله مساجد

در آیه ۲۹ سوره اعراف آمده است:

﴿ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴾.

«بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید درحالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید و (بدانید) همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید (بار دیگر در رستاخیز) باز می‌گردید».

برای جمله «واقیموا ووجهکم عند کل مسجد» معانی و تفسیرهای گوناگون ذکر شده که در این جا آنچه در ارتباط با مسجد است ذکر می‌شود:

- ۱- در نماز به قبله هر مسجد توجه کنید.
- ۲- در هر مسجدی که هستید نماز را بخوانید و برای رفتن به مسجد خاص، آن را تأخیر نیندازید.
- ۳- در وقت هر نمازی که دستور به جماعت خواندن آن داده شده به مسجد بروید.^۱
- ۴- از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که در تفسیر جمله یاد شده فرموده‌اند:

۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۱.

«در مساجد جدید التأسيس رو به سوی مسجدالحرام

کنید».^۱

یعنی هر مسجدی که مسلمانان در هر نقطه‌ای از زمین تأسیس می‌کنند قبله آن باید کعبه و مسجد الحرام باشد به همین جهت، کسی که قبله مکانی را نمی‌داند یکی از راه‌های به دست آوردن جهت آن، مراجعه به مسجد آن مکان است.^۲

نه تنها مسلمانان موظف هستند مساجد خود را به سمت مسجدالحرام و کعبه بسازند بلکه بنا به نظر گروهی از مفسران در تفسیر آیه ۸۷ سوره یونس بنی اسرائیل در عصر موسی و هارون عليهما السلام نیز موظف بودند مساجد خود را در سرزمین مصر به سمت مسجدالحرام و کعبه بسازند و کعبه را قبله مساجد خود

۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۴۳.

۲. در صدر اسلام بیت‌المقدس قبله مسلمانان بود و آیات مربوط به تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه در مدینه نازل شده است در حالی که آیه یاد شده که در سوره اعراف آمده از آیات مکی است؛ بنابراین چطور ممکن است که مقصود از «واقیموا وجوهکم عند کل مسجد» روی آوردن به کعبه و مسجدالحرام و قبله قرار دادن آن باشد؟ برخی مفسران در جواب این سؤال فرموده‌اند: شاید اصل تشریح قبله قرار دادن کعبه در سوره اعراف که در مکه نازل شده است مطرح گردیده؛ اما تفصیل یا تفسیر آن در سوره بقره که مدنی است بیان شده است همان‌گونه که سایر احکام الهی از واجبات و محرمات در سوره‌های مکی به‌طور اجمال و سر بسته مطرح و در سوره‌های مدنی تفسیر و تبیین شده‌اند.

المیزان، ج ۸، ص ۹۰.

قرار دهند:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يُبُوتًا
وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ».

«و به موسی و برادرش وحی کردیم که: برای قوم خود
خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌هایتان را
رو به قبله قرار دهید و نماز را برپا دارید».

برخی مفسران در تفسیر آیه یاد شده گفته‌اند: موسی علیه السلام پس از نابودی
فرعون، وارد مصر شد و او و برادرش هارون علیه السلام مأمور شدند بنی اسرائیل را برای
تهیه و بنای مساجدی که مرکز یاد و عبادت خدا باشد راهنمایی نمایند و آنها
موظف بودند مساجدشان را به سمت قبله یعنی کعبه بسازند این گروه از مفسران
جمله «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» را به معنای ساختن مساجد به سمت کعبه و قبله قرار
دادن آن، دانسته‌اند.^۱

بنای مساجد در کنار قبور

در سوره کهف آیه ۲۱ می‌خوانیم:

«وَكَذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ
السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ فِيهِمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمُ
بُيُوتًا رُحْمًا أَعْلَمُ بِهِمُ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ
عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا».

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۹۵.

«و این چنین مردم را متوجّه حال آنها (اصحاب کهف) کردیم تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست، در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند گروهی می گفتند: بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند و از آنها سخن نگویید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاه تر است؛ ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنها فراموش نشود)».

این آیه گویای این است که مردم عصر اصحاب کهف دو گروه بودند: الف) گروهی که منکر معاد بودند و نظرشان بر این بود مسأله خواب و بیداری اصحاب کهف به دست فراموشی سپرده شود و لذا پیشنهاد دادند در غار گرفته شود تا برای همیشه از نظر مردم پنهان گردند: «اذیتنا عون بینهم امرهم فقالوا ابنوا علیهم بنیاناً» و تلاش می کردند این ماجرا از نظر مردم دور شود به همین جهت می گفتند: آنها سرنوشت اسرار آمیزی داشتند و پروردگارشان از وضع آنها آگاه تر است: «ربهم اعلم بهم».

ب) گروهی مؤمن و معتقد به رستاخیز بودند و مسأله خواب و بیداری اصحاب کهف را سندی مهم برای اثبات آن می دانستند. نظر این گروه بر این بود که ما در کنار مدفن آنها مسجد و عبادتگاه می سازیم: «قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذنّ علیهم مسجداً».

هدف آنها از ساختن مسجد در کنار مدفن اصحاب کهف این بود که از آن بندگان صالح برکت بجویند و هم از این راه یاد و خاطره آنها در تاریخ و نظرها زنده بماند.

از ظاهر آیه یاد شده به قرینه «ابنوا علیهم بنیاناً» استفاده می‌شود اصحاب کهف پس از بیداری از خواب سیصد ساله، از دنیا رفتند و به خاک سپرده شدند. مؤمنان علاقمند به حفظ داستان و سرنوشت آنان در تاریخ و خاطره‌ها تصمیم گرفتند در کنار قبورشان مسجد بسازند و قرآن این موضوع را بالحن موافق آورده و آن را به نوعی تأیید کرده است. این امر نشان دهنده این حقیقت است که ساختن مسجد در کنار قبور بزرگان و صالحان جایز و بلکه کار شایسته‌ای است. علاوه بر تأیید قرآن، این یک امر پذیرفته شده میان ملل و اقوام مختلف است که برای یاد بود بزرگان خود بناهایی تأسیس می‌کنند و این مسأله هیچ منافاتی با توحید ندارد؛ چرا که ساختن این نوع بناها و حضور در آن به معنای پرستش غیر خدا نیست.

فصل دوّم: تخریب مساجد

تخریب مساجد

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَافِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱

«چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند، شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این کانون‌های عبادت شوند، بهره آنها در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب عظیم است.»

شأن نزول: ابن عباس می‌گوید این آیه درباره شخصی بنام «فطلوس» رومی و یاران مسیحی اوست آنها با بنی اسرائیل جنگیدند و تورات را آتش زدند

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۴.

۴۰ سیمای مسجد در قرآن

و فرزندان آنها را به اسارت گرفتند، بیت المقدس را ویران ساختند و مردارها را در آن آویختند و این کوشش در تخریب و نابودی بیت المقدس هم چنان ادامه داشت تا زمانی که به دست مسلمانان فتح شد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که این آیه درباره قریش نازل گردید در آن هنگام که از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به شهر مکه و مسجد الحرام جلوگیری می کردند. و برخی گفته اند: مقصود از «مساجد الله» در آیه یاد شده مکان هایی است که مسلمانان در مکه برای نماز داشتند و مشرکان پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را ویران کردند.^۱

یکی از مسائل مطرح شده در آیه مزبور، مسأله تلاش در جهت تخریب و ویران کردن مساجد و مراکز آرامش مؤمنان است. تخریب مساجد چه به صورت فیزیکی و ویران ساختن بنای آن باشد و خواه به صورت جلوگیری از یاد خداوند و حضور مردم در آن باشد - که در شأن نزول های نقل شده به هر دو مورد اشاره شده است - عملی است ظالمانه و ناحق که تنها دشمنان خدا و متجاوزان به حقوق مردم به آن اقدام می کنند:

« من اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه و سعی في خرابها».

«و چه ستمکارتر از کسی که از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری کند و سعی در ویرانی آنها نماید».

۱ . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۰۸ - ۴۰۹ .

البته روشن است مقصود از تخریب مساجد در آیه یاد شده تخریب آن به هدف اصلاح و مرّمت یا نوسازی آن نیست بلکه مقصود تخریبی است از سرِ ستم‌گری و ستیزه‌جویی و به هدف مبارزه و نفی مسجد باشد. از نکته‌های قابل توجه در آیه این است که افراد و گروه‌های تلاش‌کننده در راه تخریب و نابودسازی مساجد به عنوان ستم‌کارترین انسان‌ها معرفی شده‌اند. بنابراین کسانی که عملاً این مراکز توحید را نابود می‌کنند تکلیف‌شان روشن است.

و نیز به این نکته باید توجه داشت که ترویج هر نوع اندیشه و برنامه‌ای بوسیله ابزارهای ارتباطات این روزگار و یا به هر وسیله‌ای دیگر که مانع حضور مردم در مساجد یا کم‌رنگ شدن آن بشود از مصادیق سعی در تخریب مساجد است و اصحاب این نوع اندیشه‌ها و برنامه‌ها در ردیف ظالم‌ترین انسان‌ها به حقوق خدا و حقوق مردم به حساب می‌آیند.

کیفر تخریب‌کنندگان مساجد

کسانی که با افکار، اعمال و برنامه‌های خود مردم را از حضور در مساجد و یاد خدا در آن باز می‌دارند و در راه تعطیلی و تخریب آن قدم برمی‌دارند در دنیا گرفتار رسوایی و ذلّت شکست خواهند شد و در آخرت برای آنان به تناسب بزرگی ستم‌شان، عذاب بزرگ و سختی در نظر گرفته شده است:

«لهم في الدنيا خزي و لهم في الآخرة عذاب عظيم».

بهره آنها در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب عظیم

است.»

و بدین ترتیب ایجاد مانع در راه حضور مردم در مساجد و یاد خدا و تلاش در جهت تخریب مراکز توحید در ردیف گناہانی قرار گرفته که خداوند در قرآن به صراحت وعده عذاب بزرگ در مورد آن داده است.

مبارزه با تخریب‌کنندگان مساجد

درست است که در برنامه الهی برای مانعان یاد خدا در مساجد و تخریب‌کنندگان آن، کیفر سخت دنیایی و آخرتی در نظر گرفته شده است و آنان به یقین به سزای کردار خود خواهند رسید؛ اما در جامعه دینی و اسلامی نباید به چنین افرادی میدان داد تا بتوانند به راحتی دست به چنین عملی ظالمانه بزنند و مسلمانان باید چنان در مقابل آنان مقاومت و مبارزه کنند تا کسی از آنان نتواند آشکار و بدون ترس و وحشت وارد این مکان‌های مقدس شوند:

«اولئك ماكان لهم ان يدخلوها الا خائفين»

«شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این

کانون‌های عبادت شوند».

ممکن است این قسمت از آیه اشاره به این حقیقت باشد که این‌گونه افراد ستمگر با عمل ظالمانه خود هرگز موفق نخواهند شد مساجد و مراکز عبادت را در اختیار خود بگیرند بلکه سرانجام چنان می‌شود که جز با ترس و وحشت نمی‌توانند گام در آن بگذارند درست همان سرنوشتی که مشرکان مکه در مورد مسجد الحرام پیدا کردند.^۱

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۰.

و خداوند جهاد با دشمنان و تخریب‌کنندگان مساجد را واجب نمود و در طول تاریخ به این وسیله، معابد و مساجد را از نابودی و دستبرد معاندان با فرهنگ دینی و توحیدی و از شر کسانی که وجود مساجد و معابد را در جامعه در تضاد با منافع خود می‌دانند حفظ نموده است:

«لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَدَّيْتُمْ صَوْمِعُ و بِيَعُ و صَلَوْتُ و مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا و لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱

«و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد. و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

مقصود از دفع برخی مردم بوسیله برخی دیگر (دفع الله الناس بعضهم ببعض) فریضه جهاد است که یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های آن حفظ دین و نمادهای دین (معابد و مساجد) از شر دین‌ستیزان است.^۲

و در این آیه خدای تعالی مبارزه با تخریب‌کنندگان مساجد و معابد و دفاع از نمادهای دین را دفاع از خود خوانده و وعده قطعی داده است که دفاع‌کنندگان

۱. سوره حج، آیه ۴۰.

۲. ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۵؛ تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۴۴ سیمای مسجد در قرآن

از مساجد و معابد را یاری و بر دین ستیزان پیروزشان خواهد نمود: «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» البته خدا، قادر و شکست‌ناپذیر است و نیازی به امداد غیر خود ندارد. بنابراین منظور از یاری خدا و دین او این است که او خواسته است بندگان مؤمنش، دینداری خود را در قالب جهاد و دفاع از مساجد و معابد به منصفه ظهور برسانند و در عمل نشان دهند دیندار هستند.

فصل سوم: تعمیر و تولیت مساجد

تعمیر و تولیت مساجد

«ما كانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى
أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ *
إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ
وَأَتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا
مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۱

«مشركان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند درحالی که
به کفر خویش گواهی می دهند، آنها اعمالشان نابود
(و بی ارزش) شده و در آتش دوزخ جاودانه خواهند ماند.
مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز
قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد،

۱. سوره توبه، آیات ۱۷ و ۱۸.

و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند».

مفسران گفته‌اند: هنگامی که عباس (عموی پیامبر ﷺ) در جنگ بدر به اسارت درآمد مسلمانان ایشان را به سبب کفر و قطع رحم سرزنش کردند و علی رضی الله عنه سخن تندی به او گفت. عباس گفت: شما را چه شده که بدی‌های ما را یادآوری می‌کنید و چیزی از خوبی‌ها و کارهای نیک ما نمی‌گویید؟

علی رضی الله عنه گفت: مگر شما خوبی و کارنیک هم دارید؟

عباس گفت: آری، ما مسجد الحرام را تعمیر می‌کنیم و کعبه را (با پرده) می‌پوشانیم و به حجاج آب می‌رسانیم و اسیران را آزاد می‌کنیم. (در پی این گفتگو و) در ردّ عباس و تأیید علی ابن ابی طالب رضی الله عنه خداوند «وماکان للمشرکین أن يعمر و مساجد الله...» را نازل کرد.^۱

مسجد مکانی است مقدس و متعلق به خداوند: «مساجد الله»^۲ که بندگان پاک و موحد در آن با او به راز و نیاز می‌پردازند: «فیه رجال یحبون ان یتطهروا»^۳ و طبعاً ساختن، تعمیر و تولیت آن نیز یک امر مقدس و مبارک است و عبادت به حساب می‌آید؛ بنابراین مشرکان و کافران که در درون خود شاهد کفر، پلیدی و آلودگی خود هستند:

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۶۳.

۲. اضافه «مسجد» به «الله» نشانه اهمیت، تقدس و تعلق خاص آن به خداوند است.

۳. و در آن (مسجد) مردانی هستند دوست دارند پاک باشند. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾^۱

«مشرکان نجس و پلیدند».

﴿كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲

«این‌گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان

نمی‌آورند و (کافر هستند) قرار می‌دهد».

صلاحیت چنین کار مقدس را ندارند:

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى

انفُسِهِم بِالْكَفْرِ﴾.

«مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی

که به کفر خویش گواهی می‌دهند».

کسانی که گفتار و اعمال‌شان گواه بر کفر به خدا است - گرچه به ظاهر خود

را مؤمن و خداپرست بدانند - حق بنا، تعمیر و تولیت مساجد را ندارند؛ زیرا اینان

امر مهمتر از ساخت، آبادانی و سامان‌دهی به امور مساجد که همان ایمان واقعی

و خالص و بی‌شائبه به خالق یکتا است را نادیده گرفتند با این حال چگونه ممکن

است بنایی را که متعلق به خدای سبحان است بسازند یا آن را آباد و سرپا نموده

و به امور آن پردازند؟

۱. سوره توبه، آیه ۲۸.

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۵.

فلسفه این حکم در آیه این‌گونه بیان شده است: آنان به سبب نداشتن ایمان واقعی (که اصل و پایه است) اعمال‌شان نابود می‌شود و برباد می‌رود و در پیشگاه باری تعالی ارزشی ندارد: «اولئك حبطت اعمالهم» و به دلیل کفر و نداشتن اعمال صالح، آتش دوزخ جایگاه آنها است: «و فی النار هم خالدون». بنابراین مشرکان و کافران، حق ساخت، تعمیر و تولیت مساجد را ندارند و اگر اقدام به آن نمایند سودی برای آنان ندارد.

شرایط تعمیرکنندگان و متولیان مساجد

در آیه ۱۷ سوره توبه شایستگی مشرکان و کافران برای تعمیر و تولیت مساجد نفی گردیده و در آیه ۱۸ شرایط و احکام کسانی که برای این کار، شایستگی دارند بیان شده است:

۲۹۱ - ایمان به خدا و معاد

این دو شرط، جنبه اعتقادی وزیر بنایی دارند و تا این دو نباشند هیچ عمل پاک و خالصی از انسان سر نمی‌زند؛ کسی که موحد نباشد نمی‌تواند پایگاه توحید بسازد یا آن را آباد نماید و به امور آن رسیدگی کند و نیز کسی که باور به معاد و خلود انسان ندارد نمی‌تواند متصدی امور بناهایی باشد که برای رسیدن انسان به سعادت جاودانه ایجاد می‌گردد:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾.

«مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا

و آخرت آورده باشد».

ممکن است سؤال شود که چه مانعی دارد از غیرمسلمانان و سرمایه‌های آنان برای عمران و آبادی این مراکز (مساجد) استفاده کنیم؟
جواب این است که اسلام در همه جا، عمل صالح را میوه درخت ایمان می‌شمرد، عمل همیشه پرتوی از نیت و عقائد آدمی است و همیشه شکل و رنگ آن را به خود می‌گیرد.

نیت‌های ناپاک نمی‌تواند عمل پاکی به وجود آورد و محصول مفیدی از خود نشان دهد؛ چه این که عمل باز تاب نیت است.^۱

قرآن این حقیقت را در یک جمله کوتاه اما پر معنا بیان کرده است:

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»^۲

«بگو هر کس طبق روش (خلق و خوی) خود عمل

می‌کند».

و در آیه دیگر آمده است:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَإِيخْرَجُ

إِلَّا نَكِدًا»^۳

«سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار

می‌روید؛ اما سرزمین‌های بد طینت (و شوره‌زار) جز گیاه

ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید».

۱. اقتباس از تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۷.

۲. سوره اسراء، آیه ۸۴.

۳. سوره اعراف، آیه ۵۸.

۳ - اخلاص

در آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه ماجرای مسجد ضرار و مسجدی که براساس اخلاص و تقوا بنا شده مطرح گردیده، و به دنبال آن در آیه ۱۰۹ این سوره آمده است:

«أَفَمَنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ
أَسَّسَ بُيُوتَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانَهَارٍ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ»

«آیا کسی که شالوده بنایی را بر تقوی خدا و خشنودی او بنا کرده بهتر است یا کسی که اساس آن را برکنار پرتگاه سستی بنانموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌ریزد؟!». در این آیه بنایی ارزشمند قلمداد شده که شالوده آن علاوه بر تقوای خدا، برخشنودی و رضای او بنا شده باشد و در مقابل از بنایی که در تأسیس آن تقوا و رضای خدا رعایت نشده سرزنش شده و از آن به بنایی بر لبه پرتگاه جهنم یاد گردیده است.

از آیه یاد شده با توجه به آیات پیشین استفاده می‌شود که انگیزه در ساخت بناهای مقدس مانند مسجد باید انگیزه‌ای پاک و خالص برای خداوند باشد و خدای تعالی بنایی را به عنوان مسجد و خانه خود می‌پسندد که در تأسیس آن تنها خشنودی او مدنظر باشد نه انگیزه‌ها و اهداف فردی و گروهی سازندگان آن، آن‌گونه که در ساخت مسجد ضرار اتفاق افتاده است.

«... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ
تَقُومَ فِيهِ...»^۱

«آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده

شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی.»

در این آیه شریفه از حضور در مسجدی ستایش و تشویق شده که براساس

تقوا تأسیس شده باشد؛ زیرا از دیدگاه قرآن رعایت تقوا شرط مهم پذیرش هر

نوع عمل در پیشگاه خداوند است:

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۲

«خدا تنها از پرهیزگاران می پذیرد.»

بنابراین می توان به روشنی از آن استفاده کرد رعایت تقوا در ساخت

و تأسیس مسجد لازم است؛ چه اینکه مساجد بناهایی هستند مختص به خدا که

در تأسیس آن باید رضایت و خشنودی او را رعایت کرد و بدون رعایت تقوا

نمی توان کاری انجام داد که مورد خشنودی و رضای خدا باشد. شایان ذکر است

واژه «أحق» (شایسته تر) گرچه افعال التفضیل است ولی در این جا به معنای

مقایسه دو چیز در شایستگی نیامده بلکه «شایسته» [مسجد ساخته شده براساس

اخلاص و تقوا] و «ناشایسته» [مسجد ضرار] را مقایسه می کند.^۳

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۲. سوره مائده، آیه ۲۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۳۹.

در آیه ۳۴ سوره انفال آمده که مشرکان به دلیل بی تقوایی، حَقّ تصدی و سرپرستی امور مسجدالحرام را ندارند:

«و ما لهم ألاّ يُعَذِّبَهُمُ اللهُ وهم يصدون عن المسجد الحرام
و ما كانوا اولياءه ان اولياؤه إلاّ المتقون...».

«چرا خدا آنها را مجازات نکند با این که از عبادت
مؤمنان و موحدان در مسجدالحرام جلوگیری می‌کنند
درحالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن،
فقط پرهیزکارانند».

همانگونه که با تقوا بودن در تولیت و تصدی مسجدالحرام که محور همه
مساجد است لازم است در تولیت و تصدی سایر مساجد هم ضرورت دارد.

۵ - شجاعت

علاوه بر شرایط یاد شده، کسی که می‌خواهد متصدی امور مساجد و مراکز
عبادت باشد باید تنها انگیزه او برای این کار عشق به خدا و احساس مسئولیت در
برابر فرمان او باشد و جز از خداوند ترس و هراس نداشته باشد:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...
و لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ»^۱

«مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا
و روز قیامت آورده... و جز از خدا نترسد».

۱. سوره توبه، آیه ۱۸.

و جز از خدا نترسیدن همان یکتاپرستی و بنده خدای یگانه بودن است و تا انسان یکتاپرست نباشد نمی تواند مسئول خانه توحید و یکتاپرستی باشد.^۱ جمله «و لم یخش الله؛ جز از خدا نترسد» نشان می دهد که عمران و آبادانی و نگاهداری مساجد جز در سایه شهامت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون های انسان سازی و کلاس های عالی تربیت درمی آید که بنیانگزاران و پاسدارانی شجاع داشته باشد آنها که از هیچ کس جز خدا نترسند و تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه ای جز برنامه های الهی در آن پیاده نکنند.^۲

و از آنجایی که مساجد پایگاه تبلیغ دین و رسالت های مهم الهی اند؛ متصدیان آن باید همانند مبلغان دین خدا خداترس و در برابر موانع با شهامت و شجاع باشند:

«الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احداً

الا الله».^۳

«کسانی که رسالت های الهی را تبلیغ می کنند و (تنها) از

او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند».

۱. مرحوم علامه طباطبایی می گوید: مقصود از خشیت در آیه یاد شده، خشیت دینی یعنی همان عبادت و بندگی خداست. المیزان، ج ۹، ص ۲۰۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۷.

۳. سوره احزاب، آیه ۳۹.

۶ و ۷ - اقامه نماز و پرداخت زکات

این دو شرط در تأکید و تحکیم شرایط قلبی است یعنی ایمان به خدا و روز رستاخیر و... تنها در مرحله ادعا نباشد بلکه با اعمال پاکش آن را تأیید کند. هم پیوندش با خدا که رمز آن انجام دادن نماز به درستی است محکم باشد و هم پیوندش با خلق خدا که نماد آن، پرداخت زکات و حقوق نیازمندان است:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ...»^۱

«مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را بر پا دارد، و زکات را بپردازد».

فلسفه ضرورت این دو شرط نیز روشن است؛ زیرا کسی که اهل نماز و رابطه با خداوند نباشد نمی‌تواند متصدی اماکنی باشد که محل ارتباط با خدا و اقامه نماز است و همچنین کسی که حاضر به پرداخت زکات و حقوق نیازمندان نباشد چگونه می‌تواند هزینه‌بنایی را بپردازد که باید با اموال پاک تأسیس و اداره شود؟ از مجموع این شرایط که آیات قرآن بر آن تأکید دارد روشن می‌شود سازندگان، متولیان و پاسداران مساجد باید از میان پاک‌ترین افراد انتخاب شوند، نه این که افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروت‌شان و یا به جهت مقام یا نفوذ اجتماعی‌شان آن چنان که در برخی از نقاط جهان اسلام رایج شده بر این مراکز عبادت و اجتماعات اسلامی گمارده شوند. بلکه با الهام از تعالیم حیات بخش

۱. سوره توبه، آیه ۱۸.

قرآن باید تمام دست‌های ناپاک را از این مراکز مقدس کوتاه ساخت؛ زیرا از آن روز که گروهی از زمامداران جبار و یا ثروتمندان آلوده و گنهکار دست به ساختمان مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح و معنویت و برنامه‌های سازنده آنها مسخ شده و به همین سبب است که می‌بینیم بسیاری از این‌گونه مساجد شکل مسجد ضرار را به خود گرفته است.^۱

سه نکته:

۱ - منظور از عمران مسجد چیست؟

در آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره توبه مسأله تعمیر و عمران مساجد مطرح شده است. عمران مساجد شامل آبادی ساختمان و تأسیسات آن (آبادانی مادی) و اجتماع و حضور و یاد خداوند در آن به اشکال مختلف (آبادانی معنوی) می‌شود، بنابراین، تنها به معنای آبادانی مادی و ظاهری یا فقط آبادانی معنوی مقصود نیست.

۲ - استمداد از مشرکان برای اداره امور مساجد

از آیات یاد شده (آیه ۱۷ و ۱۸ سوره توبه) می‌توان استفاده کرد که مسلمانان نباید برای ساختن و تعمیرات مساجد از مشرکین و کافران هدایا و کمک بگیرند؛ زیرا در آیه ۱۷ حق هرگونه آبادانی مساجد از مشرکان و کافران سلب شده

۱ . اقتباس از: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۶.

۵۶سیمای مسجد در قرآن

و در آیه ۱۸ با کلمه «انما» که دلالت بر حصر دارد این عمل مقدس منحصر به مسلمانان و موحدان واقعی گردیده است.

۳ - شرایط یاد شده مربوط به همه مساجد است

با توجه به این که شأن نزول دو آیه ۱۷ و ۱۸ توبه درباره مسجد الحرام است و در آیه ۱۹ به صراحت مسجد الحرام مطرح شد ممکن است چنین برداشت شود که شرایط یاد شده در دو آیه مذکور در خصوص مسجد الحرام است؛ اما چنین نیست بلکه شرایط مذکور مربوط به همه مساجد می باشد زیرا تعبیر «مساجد الله» عام است و شامل هر مسجدی می شود در واقع خداوند متعال می خواهد این نکته را یاد آوری کند که: وقتی اداره امور مساجد عادی و معمولی مشروط به شرایط خاص باشد، مسجد الحرام که محور و قبله همه مساجد است جای خود دارد.

وظایف متولیان مساجد

مهم ترین وظیفه متولیان و دست اندرکاران امور مساجد این است که این کانون های مقدس را برای حضور بندگان خدا که خواهان تعالی معنوی و عبادت خدای جمیل اند، آماده و پاک و پاکیزه نمایند تا آنان بتوانند در محیطی مناسب فارغ از هر چیزی به راز و نیاز با پروردگارش بپردازند؛ زیرا مسجد نامرتب و به هم ریخته و ناتمیز نمی تواند محل مناسبی برای عبادت و گفتگوی بنده با پروردگارش باشد. در همین راستا، خداوند متعال به ابراهیم خلیل و فرزندش

فصل سوم: تعمیر و تولیت مساجد ۵۷

اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام که دو تن از انبیای عظام‌اند دستور می‌دهد خانه‌اش را برای طواف‌کنندگان، معتکفان و نمازگزاران آماده و پاکیزه نمایند:

«... وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۱

«و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف‌کنندگان، معتکفان و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، پاک و پاکیزه کنید».

از این فرمان خدای تعالی که درباره کعبه و مسجدالحرام است می‌توان استفاده کرد: هر مسجدی باید پاکیزه و مرتب و دارای فضای جذاب و دلنشین باشد؛ زیرا همه مساجد خانه‌های خدا در زمین می‌باشند. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«المساجد بيوت الله في الارض ...»^۲

منزلت متولیان مساجد

ممکن است تولیت امور مساجد کار ساده و عادی قلمداد شود همان‌گونه که در جامعه ما چنین تلقی وجود دارد، اما خدای تعالی شخصیتی مانند ابراهیم خلیل و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَام دو تن از انبیای عظام را به‌عنوان متصدیان خانه خود معرفی

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲. مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۲۲۷.

۵۸ سیمای مسجد در قرآن

می‌کند.^۱ افزون بر این پس از بیان شرایط پنج‌گانه برای تصدی امور مساجد در آیه ۱۸ سوره توبه می‌فرماید: کسانی که مساجد خدا را تعمیر می‌کنند و دارای صفات ایمان به خدا و معاد، اقامه نماز و پرداخت زکات خداترسی و شجاعت باشند از هدایت یافته‌گان هستند:

«فَعَسَىٰ أَوْلَتْكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ».

«امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند».

و هدایت یافتگی مقامی بس بلند است که تمام تلاش انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام برای رساندن انسان به این مقام بوده است.

۱ . سوره بقره، آیه ۱۲۵؛ سوره حج، آیه ۲۶ .

فصل چهارم: حضور در مساجد

حضور در مساجد

حضور در مساجد امری بسیار مطلوب و ارزشمند است و آیات قرآن بر آن تأکید فراوان دارد. از طرفی از کسانی که با مسجد آمد و شد دارند و در آن به عبادت و یاد خدا می‌پردازند با بهترین تعابیر ستایش می‌کند و آنان را دوستان طهارت و پاکیزگی و محبوبان خدا معرفی می‌کند:

«... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ
فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۱

«آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده،
شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن،
مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند
پاکیزگان را دوست می‌دارد.»

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۶۰ سیمای مسجد در قرآن

و آنان را مردانی وارسته از دنیا، ذاکر خدا، اقامه کنندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و خائفان از حوادث سخت قیامت معرفی می‌کند و از پاداش ارزشمند آنان در سرای دیگر و بهره‌مندی ایشان از فضل خدا سخن می‌گوید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ * لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱

«نور و هدایت الهی [در خانه‌ها (مساجد)] قرار دارد که خداوند اذن فرموده رفعت و عظمت داشته باشند. خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند. مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و رو می‌شود. (آنها به سراغ این کارها می‌روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش

۱. سوره نور، آیات ۳۶ - ۳۸.

دهد،^۱ و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید؛ و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد».

و از سوی دیگر کسانی را که مانع مردم از حضور در مساجد و یاد خدا در آن می‌شوند ظالم‌ترین انسان‌ها خوانده است و آنان را مستحق رسوایی و ذلت در دنیا و عذاب سخت در آخرت دانسته است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۲

«کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در آخرت، عذاب عظیم (الهی)!».

و در آیه ۲۹ سوره اعراف به نحو روشن تری بر حضور در مساجد تأکید و توصیه شده است:

۱. معنای جمله «ليجزيهم الله احسن ما عملوا؛ تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد». این است که خداوند در دادن پاداش به آنان بهترین اعمال آنان را معیار قرار می‌دهد و اعمال خوب آنان را به عنوان بهترین اعمال به حساب می‌آورد و در حساب بر آنان سخت نمی‌گیرد. المیزان، ج ۱۸، ص ۱۲۹.

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۴.

«وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ».

«و توجه خویش را در هر مسجدی به سوی او (خدا)

کنید».

عده‌ای از مفسران «مسجد» در آیه یاد شده را به معنای معروف آن دانسته‌اند^۱ و لذا به روشنی از جمله یاد شده استفاده می‌شود حضور در مساجد امری مستحب و مورد تشویق و مطلوب خداوند است.^۲ از مجموع این آیات استفاده می‌شود حضور در مساجد امری ارزشمند و مطلوب و بلکه برای یک مؤمن دوران‌دیش که به فکر سعادت و سرای آخرت است ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

آداب حضور در مساجد

اکنون نوبت آن رسیده که بدانیم آداب حضور در مساجد از نظر قرآن چیست؟ همان‌گونه که قرآن بر اصل حضور در مساجد و آمد و شد با آن، تأکید و توصیه دارد بر رعایت برخی امور به عنوان تشریفات و آداب خاص حضور در آن، هم تأکید می‌کند. البته منظور از تشریفات و آداب، امور زائد و غیر ضروری و صرفاً ظاهری نیست؛ بلکه در مباحث آتی، خواهیم دید آداب حضور در مساجد از نگاه قرآن شامل امور ضروری که رعایت آنها لازم است، نیز می‌شود.

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۱.

۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۴۱.

۱- اجتناب از شری

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».

«و مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا

نخوانید».

سعید بن جبیر می گوید:

جنیان به پیامبر ﷺ عرض کردند ما چگونه در مسجد الحرام حاضر شویم در حالی که از تو دور هستیم و چگونه در نماز (تو) حاضر شویم در حالی که از تو فاصله داریم؟

در پی این سؤال آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ...» نازل شده است.^۱

در این آیه، خداوند با تأکید می فرماید: مساجد از آن خداوند است. در این که مقصود از «المساجد» در آیه یاد شده چیست؟ مفسران احتمال‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند از جمله این که: مقصود از آن مسجد به معنای معروف و معمول آن (یعنی بناهای خاصی که به نام مسجد شهرت دارند و برای اقامه نماز و بندگی و یاد خدا بنا شده‌اند) است بنابراین، معنای آیه این می شود: مسجدها مختص به خداوند است پس در آن غیر او را پرستش نکنید.^۲

گروهی از مفسران گفته‌اند: مقصود از «المساجد» در آیه مذکور تمام نقاط زمین است؛ زیرا پیامبر ﷺ فرمود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا؛ زمین برای من مسجد و محل سجده قرار داده شده است».

۱. جامع البیان، ج ۲۹، ص ۱۴۵؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۵۲؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۲۳.

۲. زبدة البیان، ص ۸۱.

خواه مقصود از «المساجد» مسجد به معنای خاص آن باشد و خواه به معنای تمام نقاط زمین آنچه مهم است این است که در آن باید از هر نوع شرک و ریا و توجه به غیر خدا دوری شود. شرک و ریا و توجه به غیر خدا در هر مکانی باشد زشت و نارواست و در بناها و اماکن مختص به خدا، زشت تر و ناروا تر است؛ زیرا شرک و چندگانه پرستی ذاتاً امری زشت و پلید است. «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ؛ همانا مشرکان پلید و آلوده‌اند»^۱ و مساجد مکان‌های پاک و مقدس‌اند. بنابراین کسی حق ندارد آن را بواسطه نیات و اعمال شرک آلود پلید و آلوده نماید.

اجتناب از شرک و ریا و روی آوردن به اخلاص و توحید ناب در مسجد طبق برخی تفاسیر در آیه ۲۹ سوره اعراف نیز مورد تأکید قرار گرفته است:

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...»

«بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید در حالی که دین (خود) را برای خالص گردانید.»

برای جمله «و اقيموا وجوهكم عند كل مسجد» تفسیرهای گوناگون ذکر شده که برخی از آنها مربوط به مسجد است:

۱. سوره توبه، آیه ۲۸.

۱- در نماز به قبله هر مسجد توجه کنید.

۲- در هر مسجدی هستید نماز را بخوانید و برای رفتن به مسجد خاص، آن را تأخیر نیندازید.

۳- در وقت هر نمازی که دستور به جماعت خواندن آن داده شده به مسجد بروید و...^۱

براساس تفسیرهای ذکر شده، از نکاتی که از جمله «واقیموا وجوهکم عند کل مسجد» به انضمام جمله «و ادعوه مخلصین له الدین» می توان استفاده کرد این است که در مساجد با خداوند راز و نیاز خالصانه داشته باشید. و این، نوعی دعوت و تشویق به دعا در مساجد و رعایت اصل توحید و اخلاص در آن است.^۲

نکته:

مسأله توسل به پیامبر ﷺ و اولیای دین یعنی آنها را وسیله و شفیع در درگاه خدا قرار دادن مطلبی است که نه با حقیقت توحید منافات دارد و نه با آیات قرآن مجید؛ بلکه تأکیدی است بر توحید و این که همه چیز از ناحیه خدا است. در آیات قرآن نیز کراراً به مسأله شفاعت و همچنین استغفار و طلب آمرزش پیامبر ﷺ برای مؤمنان اشاره شده است.

۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۱.

۲. ر.ک: زبدة البیان، ص ۷۹.

با این حال بعضی از دورافتادگان از تعلیمات اسلام و قرآن اصرار دارند که هرگونه توسل و شفاعتی را منکر شوند و برای اثبات مقصود خود دستاویزهایی پیدا کرده‌اند از جمله آنها آیه فوق (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً) می‌باشد. آنها می‌گویند: مطابق این آیه حق تعالی دستور می‌دهد نام هیچ کس را همراه نام او نبرید و جز او را نخوانید و شفاعت نطلبید. ولی انصاف این است که این ادعا هیچ ارتباطی به مطلب آیه ندارد بلکه هدف از آن، نفی شرک یعنی چیزی را هم ردیف خدا در عبادت یا طلبیدن حاجت قرار دادن است. به تعبیر دیگر: اگر کسی به راستی کار خدا را از غیر خدا بخواهد و او را صاحب اختیار و مستقل در انجام آن بشمرد مشرک است، همان‌گونه که واژه «مع» در جمله «فلا تدعوا مع الله» به این معنا گواهی می‌دهد که نباید کسی را «هم ردیف» خدا و «مبدء تأثیر مستقل» دانست.^۱

۲ - اجتناب از هر نوع ناپاکی

قرآن هم دستور می‌دهد که هنگام حضور در مسجد از زینت‌ها استفاده کنید که در مباحث پیشین مطرح شده است و هم دستور می‌دهد که در حال پلیدی مانند جنابت و مستی وارد مساجد نشوید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكْرَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»^۲

۱ . تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۲۷ و ۱۲۸ .

۲ . سوره نساء، آیه ۴۳ .

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید (و وارد مساجد نشوید) هنگامی که جنب هستید مگر این که در حال عبور باشید، تا غسل کنید».

برخی مفسران برای جمله «و لا جنباً الاّ عابری سبیل...» شأن نزولی به این صورت نقل کرده‌اند: بعضی از انصار در خانه‌هایشان به طرف مسجد بود گاهی که دچار جنابت می‌شدند برای تهیه آب، جز رفتن به مسجد و عبور از آن راهی نداشتند در آیه یاد شده خدای تعالی حکم این مسأله را بیان کرده است.^۱

در باره جمله «لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری...» دو تفسیر ذکر شده است که یکی از آن دو تفسیر در ارتباط با مسجد است. طبق این تفسیر «لا تقربوا الصلوة» در واقع به حذف مضاف است یعنی «لا تقربوا اماکن الصلاة ای المساجد للصلوة و غیرها؛ در حال مستی به اماکن نماز یعنی مساجد برای اقامه نماز یا کارهای دیگر نزدیک نشوید».^۲ تعبیر «الاّ عابری سبیل» با همین تفسیر مناسب است زیرا عبور درباره مکان به کار می‌رود نه در باره نماز.

بنابراین معنای جمله یاد شده این می‌شود که: در حال مستی وارد مسجد نشوید.

۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۳۹.

۲. مجمع البیان، ج ۴-۳، ص ۸۰.

در صورت صحت تفسیر مذکور، این مسأله مربوط به قبل از تحریم قطعی خمر است؛ زیرا حکم تحریم شرب خمر به تدریج بیان شده و چه بسا برخی مسلمانان در صدر اسلام، قبل از تحریم قطعی خمر، مشروب می خوردند و ممکن بود در حال مستی وارد مسجد شوند. خداوند با نزول آیه مذکور آنان را نهی کرد که در چنین وضع و حالی وارد محیط مقدسی مانند مسجد بشوند.

درباره جمله «و لا جنباً إلاّ عابری سبیل» نیز دو تفسیر وجود دارد که یکی از آن دو تفسیر مربوط به مساجد است. بنابراین تفسیر، معنای جمله یاد شده این است که: در حال جنابت به اماکن نماز یعنی مساجد نزدیک نشوید جز به صورت عبور و گذر از آن، تا این که غسل کنید.^۱ مفسران این تفسیر را برای جمله یاد شده مناسب تر دانسته اند^۲ زیرا عبور درباره مکان به کار می رود نه درباره نماز و این تفسیر از امام باقر علیه السلام نیز وارد شده است.^۳

فلسفه این دستور روشن است؛ زیرا مسجد مکان مقدس و پاک و جای عبادت و تقرب به خدای منزّه از عیب و نقص است و جنابت و مستی^۴ برای

۱. توضیح بیشتر درباره این آیه در بخش احکام مطرح شده است.

۲. مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۸۱؛ المیزان، ج ۵، ص ۳۶۰.

۳. مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۸۱.

۴. در آیه ۹۰ سوره مائده درباره شراب و... آمده است: (یا الذین آمنوا انما الخمر و المسیر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه، لعلکم تفلحون)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و ازلام [نوعی بخت آزمایی] پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید».

انسان یک حالت آلودگی ایجاد می‌کند که تناسب با عبادت و اماکن آن یعنی مساجد ندارد.

افزون بر این آیه، خداوند در آیه ۲۸ سوره توبه به صراحت می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاک و پلیدند پس نباید بعد از امسال [سال نهم هجری] نزدیک مسجدالحرام شوند».

گرچه این آیه در مورد مسجدالحرام است؛ اما این مسجد از این حیث خصوصیتی ندارد برای این که مشرکان به سبب نجس و پلید بودن حق ورود به آن را ندارند. بنابراین از عام بود این حکم (نجس بودن مشرکان) می‌توان استفاده کرد که آنها حق ورود به هیچ مسجدی را ندارند.

نتیجه این که هم مساجد و خانه‌های خدا باید همواره پاک و پاکیزه باشند همان‌گونه که خداوند به ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل علیهما السلام فرمان داد که خانه‌اش را برای طواف‌کنندگان، معتکفان و نمازگزاران پاکیزه نمایند:

«... وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».^۱

«و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم: خانه مرا برای

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید».

و هم کسانی که در مسجد حضور می یابند باید خود را از آلودگی ها و پلیدهای ظاهری و باطنی دور نگه دارند.

۳ - اظهار خضوع و خشوع

خضوع و خشوع بنده در برابر پروردگار در هر زمان و مکان مطلوب و مورد تأکید است؛ اما هنگام حضور در مساجد، داشتن چنین حالتی بالخصوص مورد تأکید قرار گرفته است؛ چه این که مساجد، محل بندگی و عبادت است و حقیقت عبادت و بندگی همان خضوع و خشوع در برابر پروردگار است.

در آیه ۱۱۴ سوره بقره آمده است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ...»
«کیست ستم کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در
مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟!
شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت وارد این
(کانون های عبادت) شوند.

برخی مفسران گفته اند معنای جمله «اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين» این است آنها (ممانعت کنندگان از حضور مردم در مساجد) حق نداشتند جز با خضوع و خشیت وارد مسجد شوند تا چه رسد به این که جرأت بر تخریب آن داشته باشد.

فصل چهارم: حضور در مساجد ۷۱

براساس این تفسیر، از آیه استفاده می شود هنگام ورود به مساجد مستحب است انسان با حالت خضوع و خشوع و خشیت از خداوند متعال وارد شود.^۱

۴ - استفاده از زینت

در سوره اعراف آیه ۳۱ آمده است:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

«ای فرزندان آدم زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید... ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد».

از ابن عباس نقل شده مردان و زنان عصر جاهلیت، کعبه را با حالت برهنگی و بدون هیچ پوششی طواف می کردند^۲ خداوند با نزول آیه یاد شده ایشان را از این عمل منع کرد و فرمود: هنگام رفتن به مسجد از زینت (پوشش و لباس) خود استفاده کنید.^۳

۱ . بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۴۱ .

۲ . در این که چرا آنان هنگام طواف، از پوشش استفاده نمی کردند و لباس های خود را در می آوردند، برخی گفته اند: آنها اعتقادشان این بود که لباس ها، بواسطه گناهان آلوده شده (و طواف با آن صحیح نیست) و برخی گفته اند آنها در آوردن لباس ها را تفأل به عریان و پاک شدن از گناهان می دانستند! احکام القرآن، جصاص ص ۴۲ .

۳ . جامع البیان، ج ۸، ص ۲۱ - ۲۲ ؛ اسباب النزول واحدی، ص ۱۵۱ - ۱۵۲ .

انسان طبعاً به زیبایی‌ها و زینت‌ها علاقه‌مند است و حسّ زیبایی دوستی یکی از ابعاد اصلی روح انسان را تشکیل می‌دهد و آفریدگار حکیم بر استفاده از انواع زینت‌ها تأکید کرده است:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ».^۱

«بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟».

اما ممکن است در جامعه دینی در اثر برخی عوامل مانند برداشت‌های غلط از آموزه‌های دین یا تلقین‌های نادرست یا هر عامل دیگری استفاده از زینت‌ها و زیبایی‌ها برای مؤمنان امری نادرست و دور از شأن و منزلت قلمداد شود، لذا خدای حکیم با صراحت دستور می‌دهد که از زینت‌ها استفاده کنید خصوصاً هنگام رفتن به مساجد و حضور در پیشگاه خداوند که مناسب است بنده‌اش بهترین حالت و وضعیت را داشته باشد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدای جمیل است و سزاوار است انسان با بهترین جمال و زیبایی در آن حاضر شود:

«خذوا زینتکم عند کل مسجد».

«زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید».

زینت‌های مادی و معنوی

جمله «خذوا زینتکم» هم شامل زینت‌های جسمانی و مادی می‌شود مانند پوشیدن لباس‌های مرتب، پاک و تمیز و شانه زدن موها و به کار بردن عطر و بوی خوش و هم شامل زینت‌های معنوی یعنی صفات عالی انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص می‌شود؛ زیرا وقتی استفاده از زینت‌های مادی و جسمانی که نسبت به زینت‌های معنوی از اهمیت کمتری برخوردار است لازم یا دست‌کم مطلوب باشد، آراسته شدن اهل مسجد به زینت‌های معنوی می‌تواند به نحو روشن‌تر مشمول فرمان «خذوا زینتکم عند کلّ مسجد» باشد.

اسراف در استفاده از زینت‌ها

همان‌گونه که ممکن است عده‌ای، بهره بردن از زینت‌ها را برای مؤمنان دور از شأن و منزلت بدانند از آن طرف ممکن است برخی به سبب طبع زیاده‌طلبی از این دستور سوء استفاده کنند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از زینت‌ها و پوشش‌ها برای رفتن به مساجد و غیر آن، راه تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر را در پیش گیرند. برای جلوگیری از چنین رفتاری خدای سبحان بلافاصله دستور می‌دهد:

«و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین».

«اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد».

کلمه «اسراف» کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود و این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش فوراً جلوی سوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند.

دو نکته:

۱ - امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که به نماز برمی خواست بهترین لباس های خود را می پوشید، سؤال کردند چرا بهترین لباس خود را می پوشید؟ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خَذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ ثَوْبِي».^۱

«خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت من لباس زیبا را برای (راز و نیاز) پروردگارم می پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بگیرید، لذا دوست دارم بهترین لباسم را بپوشم».

۲ - امام صادق علیه السلام این گونه دعا کرد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاعْوِذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ».^۲

«خداوندا! از تو آرایش و خوبی، زینت و زیبایی و محبت و دوستی را می طلبم و از زشتی و کینه توزی و نفرت به تو پناه می برم».

۱ . مجمع البیان، ج ۴ ، ص ۲۴۴ .

۲ . وسائل الشیعه، ج ۲ ، ص ۱۵۹ .

فصل پنجم: ویژگی‌ها و پاداش مسجیدیان

الف) ویژگی‌های مسجیدیان

هر صنف و گروهی در جامعه برای خود، نشانه‌ها و ویژگی‌های دارند که بواسطه آن‌ها شناخته می‌شوند. در قرآن برای اهل مسجد که خانه خدا را خانه خود قرار داده‌اند نشانه‌ها و ویژگی‌های بیان شده که همان ویژگی مؤمنان راستین است. دانستن این نشانه‌ها و ویژگی زمینه‌ای است برای محک زدن خود و کسانی که ادعای مسجدی بودن را دارند.

قرآن مؤمنان مسجدی راستین را این‌گونه معرفی می‌کند:

الف) آنها کسانی‌اند که هیچ چیزی حتی اموری مانند تجارت و خرید و فروش و انواع معاملات پر سود که از جذاب‌ترین کار دنیایی است ایشان را از یاد و ذکر خدا خصوصاً از اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ

وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ...^۱

«[نور و هدایت الهی] در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده رفعت و عظمت داشته باشند؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند. مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.»

و به‌طور حتم کسانی که دل در گرو این مراکز و اماکن مقدس و نورانی دارند و دایم با آن، آمد و شد دارند همواره به یاد خدا هستند و چیزی نمی‌تواند آنان را از ذکر و یاد صاحب این کانون‌های مقدس باز بدارد.

ب) آنها افرادی هستند که در روز قیامت و حساب که دل‌ها و دیده‌ها دگرگون است می‌ترسند:

«... يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^۲

اما این ترس و وحشت آنها در همین دنیا است، نه در آن روز سخت؛ چه این که آنان پیش از این، به برکت مساجد و یاد و تسبیح خدا در آن به آرامش و امنیت لازم دست یافته‌اند و با دست پر و قلب آرام یافته به یاد خدا^۳ نظاره‌گر حوادث آن روز خواهند بود:

۱. سوره نور، آیات ۳۶ و ۳۷.

۲. سوره نور، آیه ۳۶ و ۳۷.

۳. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» «آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد».

سوره رعد، آیه ۲۸.

«وَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ
يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ»^۱

«و کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداش بهتر از آن
خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز درامانند».

(ج) و آنها کسانی هستند که دوستدار پاکی و طهارت‌اند و برای رسیدن
به آن تلاش و کوشش می‌کنند:

«... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ
فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۲

«آن مسجدی که از روز نخست برپایه تقوا بنا شده،
شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن،
مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند
پاکیزگان را دوست دارد».

(ب) پاداش مسجیدیان

خدای تعالی در آیه ۳۶ سوره نور مسجد و ویژگی‌های آن را مطرح و در آیه ۳۷
این سوره اوصاف و ویژگی‌های اهل مسجد را بیان کرده و در آیه ۳۸ پاداش آنان
یادآور شده است:

۱. سوره نمل، آیه ۸۹.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

﴿لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ
يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

«[مؤمنان مسجدی به کارهای شایسته می پردازند]
و در نتیجه خدا، هنگام دادن پاداش به آنان، تمام اعمالشان
را هر چند کاستی‌هایی داشته باشد، بهترین عمل به‌شمار
می‌آورد و همه را بر پایه آن سزا می‌دهد و از فضل خود نیز
بر پاداش‌شان بیفزاید، و خداوند به هر کس بخواهد
بی حساب؛ بدون آنکه از اعمال او عوضی بخواهد، روزی
و پاداش افزون خواهد داد.»^۱

در این آیه نسبت به پاداش مؤمنان مسجدی بر دو نکته تأکید شده است:
یکی این که خداوند همه اعمال نیک آنان را بهترین عمل به‌شمار می‌آورد
و با این معیار به ایشان پاداش می‌دهد. و دیگر آنکه خدای سبحان صرف نظر از
اعمال آنها از فضل و بخشش خود به آنان پاداش دو چندان می‌دهد.

۱. برگرفته از ترجمه قرآن براساس المیزان، با تغییر اندک.

فصل ششم: احکام مسجد

در فقه و رساله‌های عملی فقها درباره مسجد احکام فراوانی به چشم می‌خورد که برخی از آنها از آیات قرآن استفاده شده و دسته‌ای از آنها از روایات و سخنان معصومین علیهم‌السلام گرفته شده است. در این جا، آنچه از احکام مسجد که از آیات قرآن قابل استفاده است به اختصار مطرح می‌گردد:

۱ - بنای مسجد

۱ - جواز ساختن مسجد بر مزار بندگان مؤمن و صالح خدا.

این حکم از قصه اصحاب کهف که پس از فوت شدن آنها، مؤمنان پیشنهاد دادند که بر مزار آنها مسجدی بنا می‌کنیم و خداوند آن را بالحنی تأیید آمیز نقل کرده، قابل استفاده است:

«قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا».

۲ و ۳ - لزوم ساختن مساجد بر اساس تقوا و خلوص نیت و حرمت ساختن

مسجد به هدف زیان رساندن به مؤمنان، تقویت کفر، ایجاد تفرقه میان صفوف

مؤمنان و با هدف ایجاد پایگاه و مرکز برای دشمنان خدا. دلیل این دو حکم آیات ۱۱۰-۱۰۷ سوره توبه است. در این آیات، میان مسجد بنا شده بر اساس تقوا و اخلاص و مسجد ساخته شده به هدف زیان رساندن به مؤمنان و تقویت بنیان کفر و نفاق و ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان و به انگیزه تأسیس کانونی برای فعالیت‌های دشمنان خدا و پیامبر ﷺ مقایسه شده و از مسجد تأسیس شده بر پایه تقوا و اخلاص ستایش و تمجید گردیده و آن دیگر بنام مسجد ضرار خوانده شده و مورد تقییح و مذمت قرار گرفته است، و پیامبر ﷺ بر اساس فرمان الهی، دستور داد آن را تخریب و مکانش را به زباله‌دان تبدیل نمایند.

۲- تولیت مساجد

۱- مجاز نبودن کافران و مشرکان برای تصدی امور مساجد و موظف بودن مؤمنان به جلوگیری آنها از دخالت در امور آن.

دلیل این حکم آیه ۱۷ سوره توبه است که می‌فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ...»

۲- تنها مؤمنان به خدا و معاد و اقامه کنندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و خداترسان مجاز به تعمیر مساجد و تصدی امور آن هستند. مستند این حکم نیز آیه ۱۸ سوره توبه است که می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ...»

۳- ورود به مسجد

۱- عدم جواز ورود کافران و مشرکان به مساجد و موظف بودن مؤمنان به جلوگیری آنها از ورود به آن این حکم را از دو آیه می‌توان استفاده کرد:

الف) آیه ۱۱۴ سوره بقره:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا...»^۱

گفته شده مقصود از «و من اظلم ممن منع...» مشرکانند.^۱

ب) آیه ۲۸ سوره توبه:

«...إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...»

گرچه این آیه در خصوص مسجد الحرام است؛ اما این مسجد خصوصیتی ندارد زیرا مشرکان به سبب نجس بودن حق ورود به آن را ندارند؛ بنابراین از عام بودن این حکم (نجس بودن مشرکان) می‌توان استفاده کرد که آنها حق ورود به هیچ مسجدی را ندارند.

۲- حرمت ورود انسان مست به مسجد: دلیل این حکم آیه ۴۳ سوره نساء

است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكْرَى...»

بنا بر قولی مقصود از «لا تقربوا الصلوة» یعنی به مواضع نماز که همان

۱. الکشاف، ج ۱، ص ۷۹.

مساجد است در حال مستی نزدیک نشوید.^۱

۳ و ۴ - جواز عبور جنب از مسجد و حرمت توقف او در آن: دلیل این

حکم نیز آیه ۴۳ سوره نساء است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَى...

و لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...».

مقصود از «الصلاة» در آیه به قرینه «الآ عابری سبیل» مواضع نماز یعنی

مساجد است^۲ که تنها عبور از آن برای شخص جنب مجاز شمرده شده است

نه توقف در آن.

۴ - حضور در مساجد

۱ - استحباب حضور در مساجد بازیئت و آراستگی بدور از هرگونه

اسراف و زیاده‌روی. دلیل این مسأله آیه ۳۱ سوره اعراف است:

«يَا بَنِي ءَادَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... وَلَا تُسْرِفُوا

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

۲ - لزوم روی‌آوری خالصانه به خدا هنگام حضور در مساجد

و عبادتگاه‌ها: آیه ۲۹ سوره اعراف براین حکم تأکید دارد:

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...».

۱ . زبدة البيان، ص ۵۰ .

۲ . مجمع البيان، ج ۳، ص ۸۰ .

۳- جایز نیست مؤمنان در مساجد ضرار که سبب تقویت کفر و عامل تفرقه میان مؤمنان است حضور یابند. دلیل این حکم آیه ۱۰۷ و صدر آیه ۱۰۸ سوره توبه است:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ... لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...»

۴- عبادت‌های شرک‌آلود در مساجد و معابد حرام است. مستند این مسأله آیه ۱۸ سوره جنّ است در صورتی که کلمه «المساجد» مذکور در آن به معنای مسجد متعارف باشد نه مواضع هفتگانه سجود:

«وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا...»

۵- مبارزه با مساجد

۱- حرمت هرگونه مخالفت و مبارزه با مساجد چه به صورت تخریب بنای آن، یا به صورت جلوگیری از حضور مردم و مانع شدن از یاد و عبادت خدا در آن. دلیل این حکم آیه ۱۱۴ سوره بقره است که ممانعت از یاد و عبادت خدا در مساجد و تلاش برای تخریب و ویرانی آن را بدترین ظلم قلمداد کرده و عاملان آن را مستحق خواری و ذلّت در دنیا و عذاب سخت و بزرگ در آخرت دانسته است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا... هُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...»

۲ - ضرورت برخورد قاطع با مبارزه‌کنندگان با مساجد: این حکم را می‌توان از آیه ۱۰۷ سوره توبه که عده‌ای از منافقان مدینه با ساختن مسجد ضرار قصد مبارزه با مسجد پیامبر ﷺ یا مسجد قبا را داشتند، استفاده کرد. طبق این آیه و بخش آغازین آیه ۱۰۸ توبه، پیامبر ﷺ از حضور در مسجد ضرار نهی شده و سازندگان آن به عنوان دروغگو و منافق معرفی شده‌اند و پیامبر ﷺ دستور داد آن را تخریب کردند و محل آن را به زباله‌دان تبدیل نمودند:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۴۰﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا... ﴿۴۱﴾»

۳ - لزوم جهاد با تخریب‌کنندگان مساجد و معابد: این حکم از آیه ۴۰ سوره حج قابل استفاده است:

«... وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوْمُعُ وَبَيْعُ وَصَلَوْتُ وَمَسْجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا... ﴿۱۱۵﴾»
 «و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد».

مقصود از دفع برخی مردم بوسیله برخی دیگر مبارزه و جهاد مؤمنان با دین‌ستیزان و دشمنان نمادهای دین (مساجد و معابد) است.^۱

۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

فصل هفتم: کارکردهای مساجد

آنچه براهمیت مساجد در جوامع دینی و اسلامی می‌افزاید کارکرد، آثار و فواید گوناگون این مراکز مقدس برای مسلمانان و مؤمنان در ابعاد مختلف خصوصاً در بعد معنوی و روحی است. برای مساجد در معارف اسلامی کارکردهای متعددی بیان شده است که بخشی از آن در آیات نورانی قرآن و قسمتی از آن در روایات و سخنان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام آمده است. در این جا مرور کوتاهی خواهیم داشت بر کارکردهای مساجد از نگاه قرآن:

الف) عبادی

۱- یاد خدا

ذکر و یاد خداوند که حقیقت و روح دینداری است در هر زمان و مکان و به هر اندازه‌ای باشد مطلوب و شایسته است؛ اما در جامعه دینی و الهی باید مراکز و پایگاه‌هایی وجود داشته باشد که مؤمنان در اوقات خاص، فارغ از هر چیزی در آن به پرستش و یاد خدا بپردازند. به همین منظور در جامعه دینی و اسلامی

بناهایی بنام مسجد پیش‌بینی شده است و خداوند در کلام خویش این بناها را به خود نسبت داده و بنام خود و «مساجد الله» خوانده است و این نشان دهنده عنایت و توجه خاصّ باری تعالی به این اماکن است؛ چه این‌که این مراکز در زمین نماد یاد و پناهگاه بندگان شیفته او می‌باشند.

این ویژگی یعنی یاد خدا، در آیات متعدد قرآن به صورت وصف اصلی و جداناپذیر مساجد مطرح شده است:

الف) در آیه ۱۱۴ سوره بقره:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى

فِي خَرَابِهَا...».

«چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند.»

از این آیه استفاده می‌شود که مهم‌ترین فلسفه وجود مساجد، زنده بودن یاد خدا در دل و جان بندگان اوست و کسی که مانع حضور مردم و یاد خدا در خانه‌های او شود در زمره ستم‌کارترین انسان‌ها است. چراکه طبق آموزه‌های قرآنی تنها راه آرامش و آسایش روح انسان یاد خداست:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱

«آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.»

بنابراین چه ستمی بالاتر از این که کسی بخواهد در راه تخریب پایگاه‌های توحید و مراکز آرامش انسان‌ها تلاش کند و به جای آن، شرک و غفلت و در نتیجه حیرت و گمراهی را در جامعه گسترش دهد؟ این عمل ستم به حق خدا و تعدی به حقوق بندگان و ظلم به پایگاه‌های توحید و آرامش است.
(ب) آیه ۴۰ سوره حج:

«وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صُومِعُ وَبِيعُ
وَصَلَوْتُ وَمَسْجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...»

«و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد (یهود و نصارا) و مساجد که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد».
در این آیه، مساجد به عنوان مرکزی که در آن نام خدا بسیار برده می‌شود معرفی شده است و خداوند برای حفظ آن از نابودی و دستبرد دشمنان فرهنگ دینی و الهی جهاد را بر بندگان مؤمن خود واجب کرد.^۱

(ج) آیه ۳۶ سوره نور:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْعُدُوِّ وَالْإِصَالِ»

«[نور و هدایت الهی] در خانه‌هایی که خداوند اذن داده که رتبه رفیع یابند قرار دارد، خانه‌هایی که نام او در آن برده می‌شود و همواره در آن تسبیح او گویند».

۱. جمله «لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض» اشاره به فریضه جهاد است.

همان‌گونه که در مباحث گذشته ذکر شد مقصود از «فی بیوت اذن الله ان ترفع» مساجد است یا این که مساجد یکی از روشن‌ترین مصادیق آن است.^۱ مفاد این آیه از دو آیه پیشین روشن‌تر و صریح‌تر است و در آن به دو نکته اساسی درباره مسجد اشاره شده است: یکی است که مساجد بناهایی هستند که به اذن خدا رتبه رفیع یافته‌اند.

و دیگر این که مساجد همواره مرکز یاد و تسبیح خدایند.^۲ از مجموع این آیات استفاده می‌شود که مساجد پیام‌آور زنده بودن ذکر و یاد خدا در عمق روح و جان مؤمنان و در تمام ابعاد زندگی آنها است. شایان ذکر است که یاد خدا تنها امر و فرمانی است که باری تعالی برای آن هیچ حدّ و مرزی قرار نداده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست که حد و انتها نداشته باشد جز ذکر [خدا...]. سپس این آیه را تلاوت کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا و سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَّآصِيلاً»^۳

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید فراوان ذکر خدا گوئید و همواره تسبیح‌گوی او باشید».

۱. ر.ک: الکشاف، ج ۴، ص ۲۴۲؛ مجمع البیان، ج ۸-۷، ص ۲۲۷؛ المیزان،

ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۲. «الغدو» به معنای صبحگاهان و «الأصال» به معنای شامگاهان کنایه از دوام و استمرار

است. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۳. سوره احزاب، آیه ۴۱-۴۲.

پیامبر ﷺ فرمود: آیا نمی‌خواهید به شما خبر دهم که بهترین اعمال چیست؟... عرض کردند چرا ای رسول خدا! فرمود: آن عمل، زیاد خدا را یاد کردن است. سپس مردی آمد خدمت حضرت و پرسید بهترین اهل مسجد کیست؟ فرمود: کسی که بیشتر به یاد خدا باشد.^۱

بنابراین، بهترین عمل یاد خدا و حضور مستمر در مسجد است.

۲- اقامه نماز

از مهم‌ترین فلسفه وجود مساجد در جامعه اسلامی اقامه نماز و فرایض پنجگانه در آن است. نماز عبادتی است که انسان مؤمن از آغاز تا انجام آن، در ظاهر و باطن خویش متوجه خالق یکتاست و نهایت خضوع و خشوع خود را در برابر او اظهار می‌کند و خدای تعالی خواسته است بنده مؤمنش این عبادت ویژه را در خانه ویژه‌اش یعنی مسجد انجام دهد؛ چه این که مسجد خانه ذکر اوست:

«و مساجد یذکر فیها اسمہ کثیراً».^۲

و ذکر او بالاترین عمل و عبادت است که در نماز متجلی می‌شود:

«... و أقيم الصلوة إنَّ الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر
و لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ...»^۳

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۰ - ۱۳۱.

۲. سوره حج، آیه ۴۰.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

«و نماز را برپا دار که نماز آدمی را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد و مهمتر آن‌که نماز یاد خداست و یاد خدا بزرگترین عمل است».

بنابراین، بسیار منطقی است که این عمل برتر در برترین مکان‌ها و بناها یعنی مسجد ظهور و بروز یابد. و چه زیباست که بندگان ویژه خدا یعنی مؤمنان این عبادت ویژه را در خانه ویژه او (مسجد) انجام دهند.

در همین راستا، خدای تعالی ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل علیهما السلام را مأمور می‌کند خانه‌اش یعنی کعبه و مسجد الحرام که محور و مرکز همه مساجد در هر نقطه و مکان‌اند را برای بندگان نمازگزار و طواف‌کننده آماده و پاکیزه نمایند:

«... و عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۱

نماز را در هر مسجدی می‌توان اقامه نمود و نباید آن را برای رسیدن به مسجد خاصی تأخیر انداخت برخی مفسران آیه «... و اقيموا وجوهكم عند كل مسجد...»^۲ را به این معنا دانسته‌اند، و گروهی دیگر از مفسران آن را این‌گونه تفسیر کرده‌اند: در وقت هر نمازی که دستور به جماعت خواندن آن داده شده

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۵. شایان ذکر است که این مأموریت ابراهیم علیه السلام در سوره حج آیه

۲۶ هم مطرح شده است.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۹.

به مسجد بروید.^۱

از همه این موارد روشن تر آیه ۳۶ سوره نور است که خداوند می فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ».

«خانه‌هایی که خداوند اذن فرموده که رفیع و با عظمت باشند و در آن اسم او برده شود و در صبح و شام تسبیح او گویند».

جمله «یسبح له فیها بالغدوة الآصال» یعنی در صبح و شام در آن نماز گزارده می شود. اگرچه تسبیح خدا منحصر به نماز نیست ولی نماز از مهم ترین مصادیق آن است. در هر حال، طبق آموزه های دینی و در فرهنگ اسلامی، اقامه نماز به منزله وصف جدایی ناپذیر مساجد به حساب می آید.

۳ - اعتکاف

در آیه ۱۸۷ بقره آمده است:

«... وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ...».

«و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید».

۱ . مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۱ .

۲ . مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۲۲۷ .

شان نزول

برخی مفسران نقل کرده‌اند که بعضی افراد (در صدر اسلام) هنگام اعتکاف از مسجد بیرون می‌آمدند و با همسر خود همبستر می‌شدند سپس با انجام غسل به اعتکاف و مسجد برمی‌گشتند آیه نازل شد و آنان را از این کار نهی کرده است.^۱ در آیه ۱۸۷ بقره برخی احکام روزه مطرح شده است از جمله این‌که در شب‌های ماه مبارک رمضان همبستر شدن با همسر جایز است. با بیان این حکم ممکن بود کسی تصور کند حکم یاد شده (جوار همبستر شدن با همسر برای روزه‌دار در شب) عمومیت دارد و حتی شامل مواردی مانند اعتکاف که یکی از شرایط آن روزه است می‌شود در حالی که جایز نیست شخص معتکف که روزها روزه است شب با همسرش نزدیکی کند، برای جلوگیری از این برداشت نادرست، خداوند حکیم فرمود:

«ولاتباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد».

«و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید».

مطلبی که در خصوص مسجد از آیه استفاده می‌شود این است که اعتکاف که عبادتی ویژه است باید در مسجد باشد و در مساجد از نزدیکی با همسران اجتناب شود.

۱. جامع البیان، ج ۲، ص ۲۴۷ - ۲۴۶.

اعتکاف در مساجد

در این که آیا اعتکاف را می توان در هر مسجدی انجام داد یا باید در مساجد خاصی باشد، میان فقها اختلاف است. برخی با استناد به عموم «فی المساجد» در آیه استفاده کرده اند که در هر مسجدی می توان عمل اعتکاف را انجام داد گرچه اکثر علمای شیعه اعتقاد دارند که اعتکاف باید در مساجد خاص مانند مسجد الحرام، مسجد النبی ﷺ، مسجد کوفه و مسجد بصره یا مسجد جامع هر شهری باشد.^۱

۴ - خروج به ملکوت و شهود آیات خدا

معراج پیامبر ﷺ در نقطه شروع از مسجد آغاز شد و در نقطه پایان به مشاهده برخی آیات الهی انجامید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا...»^۲

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش (محمد ﷺ) را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساختیم - برد تا برخی آیات خود را به او نشان دهیم.»

۱. ر.ک: تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۴۶؛ زبدة البیان، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

۲. سوره اسراء، آیه ۱.

مسجد می تواند برای همه مؤمنان صالح، مبدء عروج و رسیدن به شهود آیات خدا باشد و این امر منحصر به پیامبر ﷺ نیست گرچه نوع خاص آن منحصر به او بوده است.

۵ - طهارت (روح و جان)

خداوند در قرآن اهالی مسجد بنا شده بر اساس تقوا و رضای الهی را این چنین معرفی کرده است:

«... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ...»^۱
«آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند».

طهارت روح و جان از هر نوع اندیشه و اوصاف ناپسند، عالی ترین مقصد انسان است و راه این مقصد، مسجد و غایت آن ورود در دایره محبوبان خداست:

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۲

«و خدا پاکیزگان را دوست دارد».

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۲. همان.

مسجد نه جای کسانی است که در جسم خود آلودگی دارند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكْرَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز (و اماکن آن یعنی مسجد) نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید و هم چنین هنگامی که جنب هستید وارد مساجد نشوید جز به صورت عبور تا این که غسل کنید».

و نه جای کسانی که در روح خود پلیدی و ناپاکی دارند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَمَلِهِمْ هَذَا...»^۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مشرکان پلید و ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال (سال نهم هجرت) نزدیک مسجد الحرام بشوند».

بلکه مسجد تنها و تنها جای کسانی است که پاک باشند و خواهان طهارت و صفای باطن خویشند.

و آنچه سبب طهارت روح و جان انسان می‌شود ذکر و تسبیح خداست و مسجد، جای ذکر و تسبیح اوست.

۱. سوره نساء، آیه ۴۳.

۲. سوره توبه، آیه ۲۸.

۶ - تَقَرُّبٌ بِهِ فِدا

مسجد از سجده و سجود است و سجود به معنای خاصش یعنی نهادن پیشانی بر خاک برای اظهار خضوع و بندگی در برابر خدای برتر و این، نزدیکترین حالت انسان به خداست و انتخاب این نام یعنی مسجد برای خانه‌های خدا بیانگر این است که این اماکن بهترین و مناسب‌ترین مکان‌ها برای تقرب و نزدیک شدن به خداست.

خداوند در قرآن در موارد متعدد این مراکز مقدس را «مساجدالله؛ مسجدهای خدا» نامیده^۱ و آن را به نام مبارکش اضافه کرده است تا از این راه، لطف و عنایت خاصش را به این اماکن و اهالی آن نشان دهد. در آیه ۳۶ سوره نور مساجد به عنوان را خانه‌هایی که به اذن خدا عظمت و منزلت یافته‌اند معرفی شده است:

﴿ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ... ﴾^۲

«خانه‌هایی که خداوند اذن داده که عظمت و منزلت رفیع

یابند».

و راز عظمت و منزلت رفیع آن را، یاد و تسبیح مستمر خدا در آنها دانسته

است:

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۴ و ۱۸۷؛ سوره توبه، آیه ۱۷ و ۱۸؛ سوره حج، آیه ۴۰

و سوره جن، آیه ۱۸.

۲. سوره نور، آیه ۳۶.

«و یذکر فیها اسمہ یسیح له فیها بالغدو و الاصال»^۱
«خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح شام
در آنها تسبیح او می‌گویند».
یاد و تسبیح خدا در مکانی، پیش از آنکه سبب عظمت و منزلت آن مکان
بشود موجب عظمت و منزلت رفیع اهل آن مکان می‌شود که مسجد واقعی همان
دل و جان ذاکر و تسبیح‌گوی خداست.

۷ - کرامات ربانی و الهامات رحمانی

حضور خالصانه و مستمر در مساجد و خانه‌های خدا به انسان کمک می‌کند
که از کرامت‌های ربانی و الهام‌ها و بشارت‌های رحمانی بهره‌مند گردد.
قرآن درباره مریم علیها السلام می‌گوید: او در محراب^۲ عبادتش همواره از رزق
ویژه الهی بهره‌مند بود و هرگاه حضرت زکریا علیه السلام که کفیل او بود بر او در محراب
عبادتش وارد می‌شد رزق و روزی مخصوصی را در نزدش مشاهده و از آن
تعجب می‌کرد:

۱ . مرحوم علامه‌ی طباطبایی جمله «و یذکر فیها اسمہ...» را بیان علت برای «أذن الله ان ترفع» دانسته است. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۵.

۲ . درباره معنای محراب رجوع شود به مبحث: مسجد در آیین داوود و سلیمان علیهم السلام در نوشته حاضر.

«... وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَرِيمُ إِنِّي لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱

«و کفالت او (مریم) را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟! گفت: این از سوی خداست خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.»

رزق و غذایی که برای او می‌رسید رزق و غذای معمولی و عادی نبود بلکه مفسران گفته‌اند میوه تازه تابستانی در زمستان و میوه تازه زمستانی در تابستان برای او می‌رسید^۲ و این یک کرامت الهی برای او بود خصوصاً با توجه به این که حفظ میوه‌جات برای طولانی مدت در آن عصر امری ممکن نبود. و نیز گفته شده او هنگامی که به سنّ جوانی و بلوغ رسید حضرت زکریا در مسجد (بیت المقدس) مکانی تعبیه کرده بود و او همواره در آن به سر می‌برد و آب و غذای او هر روز برایش می‌رسید.^۳

و بشارت تولد عیسی علیه السلام بطور اعجاز‌آمیز نیز در مسجد به او داده شد، هنگامی که او از خانواده‌اش جدا شده و در گوشه‌ای از مسجد بیت المقدس

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۷.

۲. مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۷۴۰.

۳. همان.

اقامت گزید. ۱

و درباره حضرت زکریا علیه السلام در قرآن می خوانیم: او هنگامی که مقام ویژه مریم علیها السلام را در پیشگاه خدا و میوه‌ها و غذاهای متنوع که بطور اعجاز آمیز برای وی می رسید مشاهده کرد از درگاه باری تعالی درخواست کرد که به او فرزندی پاک عطا نماید و این در حالی بود که او در سن پیری به سر می برد و همسرش نازا بود و هیچ فرزندی نداشت.

خداوند این درخواست او را اجابت کرد و بشارت تولد یحیی علیه السلام را زمانی به او داد که در محراب ایستاده بود و نماز می گزارد:

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً... * فَنَادَتْهُ الْمَلَكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى...»^۲

«در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوندا! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما... * و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود فرشتگان او را صدا زدند که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد.»

۱. سوره مریم، آیات ۱۶ - ۲۱.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۸ - ۳۹.

خدای توانا می توانست آن رزق ویژه و بشارت تولد عیسی علیه السلام را به مریم و بشارت تولد یحیی علیه السلام را به زکریا علیه السلام در هر زمان و مکان عطا و الهام نماید؛ اما آن رزق را در مسجد و محراب عطا نمود و این بشارت تولد را نیز در محراب و در حال نماز را الهام کرد تا به همگان بیاموزد که راه رسیدن به عنایت ویژه خدا و دریافت الهامها و بشارت های الهی مسجد و نماز است.

گرچه رسیدن به این مرحله از مقام معنوی یعنی دریافت کرامات و الهامات رحمانی برای همگان آسان نیست؛ اما مقدور و ممکن است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر خاطر شما آشفته نبود و زیاده گویی نمی کردید هر چیزی را که من می شنوم شما هم می شنیدید».^۱

و فرمود:

«اگر شیاطین مرتب برگرد دل های بنی آدم گردش نمی کردند قطعاً آنها ملکوت و حقیقت آسمانها و زمین را می دیدند».^۲

بنابراین با ارتباط مستمر با مساجد که خانه خدایند و شیاطین را بدان راهی نیست و کنترل زبان و در بانی خانه دل که مسجد حقیقی همان دل پاک و مصفای

۱. لولا تمزع قلوبکم و تزدکم فی الحدیث لسمعتم ما اسمع. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۶۰۵؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۳.

۲. لولا ان الشیاطین یحومون علی قلوب بنی آدم لنظروا الی ملکوت السماوات و الارض. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۳۲؛ میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۹۴۴.

فصل هفتم: کارکردهای مساجد..... ۱۰۱

مؤمن است می توان به کرامات ربّانی و بشارت ها و الهامای رحمانی دست یافت و در مساجد به مقصد و مقصود خود رسید.

ب) تربیتی

۱- نظافت و زیبا زیستن

خداوند در یک فرمان عام، صریح و روشن فرموده است:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»^۱

«ای فرزندان آدم! هنگام حضور در هر مسجدی خود را

بیارایید.»

مؤمنان برای ادای فرایض، در شبانه روز چندین بار در مساجد حاضر می شوند و براساس این فرمان خدای سبحان، موظفند هنگام حضور در آن خود را بیارایند و لباس های زینتی خود را بپوشند و از بوی خوش بهره بگیرند. و از سوی دیگر به ابراهیم و اسماعیل عليهما السلام فرمان داد که خانه اش را برای طواف کنندگان، معتکفان و نمازگزاران پاک و پاکیزه نمایند:

«... وَ عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّافِينَ

وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۲

۱. سوره اعراف، آیه ۳۱.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۱۰۲ سیمای مسجد در قرآن

این دستورگرچه درباره خانه خدا (کعبه) و اطراف آن یعنی مسجدالحرام است؛ اما اختصاص به آن ندارد؛ بلکه هر مسجدی باید پاک و پاکیزه باشد تا مؤمنان بتوانند با آرامش خاطر، در آن به عبادت بپردازند و روح خود را جلا دهند.

بنابراین مساجد در جامعه دینی پیام آور رعایت نظافت و بهره گرفتن از انواع زیباییها و زیبا زیستن به حساب می آیند.

۲- هدایت و نورانیت

در آیه ۳۵ سوره نور، خدای تعالی خود را بوسیله پدیده نور معرفی کرده و فرموده است:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...»

«خداوند نور آسمانها و زمین است.»

سپس با تمثیلی گویا این نور را تبیین نموده است:

مثل نور خدا همانند چراغدانی است که در برگیرنده
چراغی در میان آبگینه بلورین و چونان ستاره درخشان؛
چراغدانی که از روغن زیتون با برکت و آماده اشتعال
فروزان می شود:

«مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ
الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ
زَيْتُونَةٍ...»^۱

۱. سوره نور، آیه ۳۵.

و در ادامه تمثیل آمده است:

«این چراغ پرفروغ و نور افشان در خانه‌هایی است
که به اذن خدارتبه رفیع یافته‌اند و همواره مرکز یاد و تسبیح
خدا هستند:

فِي بُيُوتٍ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ».

ویژگی نور این است که خود آشکار است و اشیای دیگر را آشکار می‌کند
و این مثل بسیار گویایی است که می‌تواند ذهن و درک ما را درباره خدا نزدیک
و تقویت کند، خدایی که قائم به ذات خود است و هیچ نیازی به غیر خود ندارد
و همه موجودات در سایه هستی او هستی می‌یابند.

پایگاه و مرکز این نور، مساجد و اماکن مقدس و مختص به ذات اوست
و کسانی نور الهی را درک خواهند کرد و به آن واصل خواهند شد که با این
پایگاه‌ها و مراکز در ارتباط مستمر باشند و افرادی در سایه نور خدا به حقایق
هستی راه می‌یابند و به صراط مستقیم هدایت می‌شوند که اهل مسجد باشند و در
شبانہ روز ساعاتی از عمرشان را در مسجد و با یاد خدا سپری کنند.

و خلاصه مفاد دو آیه ۳۵ و ۳۶ سوره نور این است که: خدا نور هستی است
و مرکز و کانون این نور، مسجد است. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ
فرموده است:

«مساجد خانه‌های خدا در زمین هستند و برای اهل
آسمان نور افشانی می‌کنند آن‌گونه که ستارگان برای ساکنان

زمین نور افشانی می نمایند».^۱

در مورد اولین مسجد بنا شده و محور و مرکز همه مساجد صفت هدایت‌گری آن هم برای همه جهانیان و جوامع بشری در آیه ۹۶ سوره آل‌عمران به نحو روشن‌تری بیان شده است:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا و هُدًى

لِلْعَالَمِينَ».

«نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شده، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پربرکت، و مایه هدایت جهانیان است».

معنای هدایت‌گری کعبه برای جهانیان این است که انسان بواسطه پرستش خدا و انجام انواع طاعات و مناسک تعیین شده در ارتباط با این کانون مقدس به سعادت آخروی و کرامت و قرب الهی راه می‌یابد^۲ علاوه بر این، کعبه به عنوان مرکز و کانون آیات روشن الهی معرفی شده است:

«فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ».^۳

«در آن، نشانه‌های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است».

ویژگی آیه و نشانه، این است که انسان را به مقصد و حقیقت رهنمون

می‌گردد.

۱. مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۲۲۷.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۳۵۱.

۳. سوره آل‌عمران، آیه ۹۷.

بنابراین مساجد کانون نور، هدایت و تربیت معنوی مؤمنان و راه رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت‌اند.

۳ - هاجت‌فواهی

از جمله کارکردهای مساجد در جوامع دینی این است که این اماکن محل عرضه حوائج به پیشگاه باری تعالی و راز و نیاز با او و درخواست از فضل و رحمت اوست. در همین راستا مرحوم طبرسی نقل می‌کند که برخی [مفسران] گفته‌اند: جمله «أَنْ تُرْفَعَ» در آیه «فِي بَيْوتِ اذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمَهُ...»^۱

به معنای رفع (بردن) حوائج در مساجد به پیشگاه خداوند است.^۲ چه این که مسجد خانه خداست و برای زیارت خدا و ملاقات با او و در میان گذاشتن حوائج خویش با او چه جایی بهتر از خانه اوست؟!^۳

در روایتی آمده خدای سبحان فرموده است: خانه‌های من در زمین مساجداند و خوشا به حال کسی که در خانه‌اش کسب طهارت کند سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند و برعهده زیارت شونده (و میزبان) است که زائرش را تکریم نماید.^۳

۱. سوره نور، آیه ۳۶.

۲. مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۲۲۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۹.

۴ - اَمْنِيَّت (رومی و روانی)

در موارد متعدد از قرآن مساجد به عنوان مرکز یاد و ذکر خدا معرفی شده است^۱ و از طرفی خداوند با تأکید تمام فرمود: تنها راه رسیدن به اطمینان و آرامش و امنیت روحی و روانی، یاد اوست:

«الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲.

«آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد».

و از سوی دیگر در گفتگوی ابراهیم خلیل علیه السلام با مشرکان و بت پرستان، شرک و توجه به غیر خدا عامل پریشانی، اضطراب و احساس ناامنی در روح و روان آدمی معرفی گردیده است:

«وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْآلَاءِ مِنْ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ * الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْآمَنُ
وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^۳.

«چگونه من از بت‌های شما بترسم؟ در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا همتایی قرار داده‌اید که هیچ‌گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۴؛ سوره حج، آیه ۴۰؛ سوره نور، آیه ۳۶.

۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

۳. سوره انعام، آیه ۸۲ - ۸۱.

فصل هفتم: کارکردهای مساجد..... ۱۰۷

کدام یک از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان) شایسته تر به امنیت و آرامش هستند اگر می دانید؟ آنها که ایمان آورده اند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند امنیت تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافته اند.»
و در آیه دیگر از قرآن آمده است:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱

«مساجد مختص به خداست و در آن غیر او را نخوانید.»

یعنی از شرک که عامل پریشانی و احساس ناامنی روحی و روانی است دوری کنید.

افزون براین، درباره کعبه و مسجدالحرام می خوانیم:

«... وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...»

«و هر کس وارد آن (کعبه) شود در امان خواهد بود.»^۲

مقصود از ورود به کعبه تنها ورود جسمانی نیست؛ بلکه مهم تر از آن ورود و حضور قلبی است و نیز منظور از امنیت وارد شونده تنها امنیت ظاهری نیست بلکه ضروری تر از آن، احساس امنیت در روح و روان است. بنابراین مسجد پایگاه توحید و راه رسیدن به آرامش و امنیت روحی و روانی خواهد بود.

۱. سوره جن، آیه ۱۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

ج) اجتماعی

۱- هیات دین در جامعه

در سوره حج، آیه ۴۰ آمده است:

«... لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَدَمْتُ صَوْمِعُ
و بَيْعُ و صَلَوْتُ و مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...»

«و اگر خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع
نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجد که
نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد».

در این آیه بجای این که خدای سبحان بفرماید اگر جهاد و مبارزه مؤمنان
با کافران نبود، دین خدا و معنویت نابود می‌شد، فرمود: اگر جهاد مؤمنان
با دین ستیزان نبود مساجد و معابد نابود می‌شدند راز این تعبیر، این حقیقت است
که حیات دین الهی در جامعه به حیات و سر پا بودن مساجد و معابد است که نماد
دین خدایند.

و هدف دین ستیزان در برچیدن مساجد و معابد از جوامع دینی در واقع
نابودی دین و معنویت است؛ چه این که آنان در غیاب دین و معنویت می‌توانند
بر جوامع سلطه یابند و به اهداف خود برسند بنابراین، بر مؤمنان و متدینان است
که با تمام وجود از مساجد و معابد حفاظت و دفاع کنند تا در سایه آن جامعه‌ای
سالم، مطلوب و رهیده از استعمار و استثمار و استکبار داشته باشند.

البته روشن است که مقصود از حفاظت مساجد در برابر دشمنان تنها
حفاظت بنای آن نیست بلکه مهمتر از آن، حفظ مساجد از افکار و برنامه‌های
پلید و منافقانه دشمنان است.

۲- اُنس و همدت

در آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه دو نوع مسجد مطرح شده است: مسجد ضرار و زیان‌رسان^۱ و مسجد بنا شده بر اساس اخلاص و تقوا.

مسجد ضرار این‌گونه معرفی شده است:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ...»
«گروهی از منافقان مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان) و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود».

از مفهوم آیه یاد شده استفاده می‌شود: مسجد سودمند مسجدی است که نافع برای همگان، مراکز ازدیاد ایمان مردم، پایگاه وحدت و اُنس و اُلُفت مؤمنان و جایی برای فعالیت‌های اجتماعی اولیای خدا باشد. و این همان مسجدی است که بر اساس تقوا و اخلاص تأسیس شده باشد.

برخی مفسران از جمله «و تفریقاً بین المؤمنین» استفاده کرده‌اند که نباید فاصله میان مساجد، آن‌چنان کم باشد که روی اجتماع یکدیگر اثر بگذارند. بنابراین آنها که روی تعصب‌های قومی و یا اغراض شخصی مساجد را درکنار

۱. برای توضیح بیشتر درباره این نوع مسجد به مبحث مسجد ضرار در نوشته حاضر مراجعه شود.

۱۱۰سیمای مسجد در قرآن

یکدیگر می سازند و جماعات مسلمانان را آن چنان پراکنده می کنند که صفوف جماعت آنها خلوت و بی رونق و بی روح می شود عملی برخلاف اهداف اسلامی انجام می دهند.^۱

۳ - مساوات و ستم‌گریزی

از جمله کارکردهای تربیتی و اجتماعی مسجد این است که این کانون‌های مقدس در جامعه، پیام آور مساوات، برابری و رعایت حقوق دیگران و احترام به آن است. چه این که مسجد، محل عبادت خدا و اظهار فروتنی در برابر او و آراسته شدن به زینت اخلاق عالی انسانی و الهی است و این، با تعدی به حقوق بندگان خدا و سرکشی و گردن‌فرازی در تعامل با آنان سازگار نیست. در همین راستا خدای حکیم در وصف مسجد الحرام می فرماید:

«... وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعِكِفُ فِيهِ

وَالْبَادِ...»^۲

«و مسجد الحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می کنند یا از نقاط دور وارد می شوند».

۱ . تفسیر نمونه، ج ۸ ، ص ۱۳۸ .

۲ . سوره حج، آیه ۲۵ .

افزون براین، هرگونه تعدی و انحراف از مسیر حق و ستم به حقوق دیگران در آن، عذاب دردناک الهی را به دنبال دارد:

«... وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلِمُ نُدْقَهُ مِنْ عَذَابِ آلِمٍ»^۱

«و هرکس بخواهد در آن، از راه حق منحرف گردد

و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم».

با این بیان، روشن می‌شود خدای تعالی هرگز اجازه نمی‌دهد در خانه او

به حقوق بندگان او تعدی شود و نیز روشن می‌شود مساجد در جامعه دینی

الهام‌بخش برادری و برابری و احترام به حقوق دیگران و دوری از تعدی و ستم

است.

د) اقتصادی

مَلِّ مَشْكَلَاتِ اِقْتِصَادِي

از اوصاف اولین مسجد تأسیس شده برای مردم یعنی کعبه این است که این کانون

مقدس مایه برکت برای جهانیان و جوامع بشری است:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا

و هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۲

۱. همان.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

«نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شده، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پربرکت، و مایه هدایت جهانیان است».

این مسأله در مورد کعبه با توجه به سفر هزاران بلکه میلیون‌ها نفر به سرزمین مکه برای حج و عمره و فوائد اقتصادی آن روشن است. اما در مورد سایر مساجد چگونه قابل توجه است؟ خصوصاً با توجه به روایاتی که خرید و فروش و معاملات و کارهای اقتصادی را در مساجد ناخوشایند و مکروه معرفی می‌کند.^۱

در جواب می‌توان گفت: مساجد پایگاه‌های تقویت ایمان و تقوا و تعالی معنویت است و خداوند ایمان و تقوا را عامل مهم بهره‌مندی از رفاه اقتصادی و آسایش معرفی می‌کند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۲

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی آنها حق را تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم».

۱. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳.

۲. سوره اعراف، آیه ۹۶.

فصل هفتم: کارکردهای مساجد ۱۱۳

بنابراین، با روی آوردن به مساجد و تقویت بنیه‌های دینی و معنوی می‌توان از رفاه و آسایش مطلوب نیز برخوردار شد.

سیمای مسجد در قرآن ۱۱۴

فصل هشتم: مسجد در ادیان

مسجد فرشتگان

مسجد به عنوان محل عبادت و بندگی خدای یکتا اختصاص به زمینیان ندارد بلکه افلاکیان و فرشتگان در عوالم بالانیز برای خود مسجد و محل عبادت دارند که به جهت اهمیت خاصش مورد سوگند خداوند است:

«وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ»^۱

«و قسم به خانه آباد».

بسیاری از مفسران گفته‌اند:

«مقصود از «الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» خانه و بنایی است در آسمان چهارم محاذی کعبه که همواره با عبادت و حضور انبوهی از فرشتگان معمور و آباد و نورانی است»^۲.

۱. سوره طور، آیه ۴.

۲. مجمع البیان، ج ۹ - ۱۰، ص ۲۴۷؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۶ و ۸.

و در روایات متعدد نیز این معنا نقل شده است. در برخی از آنها آمده که «بیت المعمور» خانه‌ای است در آسمان چهارم و در برخی دیگر از روایات آمده که خانه‌ای است در آسمان دنیا و در همه این روایات تأکید شده است که «بیت المعمور» محاذی کعبه و محل عبادت و حضور انبوهی از فرشتگان است.^۱

از پیامبر ﷺ نقل شده است که روزی به اصحابش فرمود: آیا می‌دانید «البیت المعمور» چیست؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. فرمود: آن، مسجدی است در محاذات و بالای کعبه که اگر بیفتد بر کعبه قرار می‌گیرد. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن نماز می‌گزارند و هنگامی که خارج شدند دیگر به آن بر نمی‌گردند.^۲ (یعنی هر روز هفتاد هزار فرشته تازه وارد در آن نماز می‌گزارند). مسجد اختصاص به آیین اسلام و مسلمانان ندارد؛ بلکه در آیین‌های الهی گذشته و امت‌های پیشین هم رایج بوده است. در این بخش مرور کوتاهی خواهیم داشت به موضوع مسجد در ادیان و آیین‌های الهی گذشته از منظر قرآن:

مسجد در آیین ابراهیم علیه السلام

در قرآن کعبه به عنوان اولین معبد مردمی معرفی شده است:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا
وَهُدًىٰ لِلْعَالَمِينَ﴾^۳

۱. ر.ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۳۶ - ۱۳۷؛ الذر المنثور، ج ۷، ص ۶۲۷.

۲. الذر المنثور، ج ۷، ص ۶۲۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

«نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد همان است که در سرزمین مکه است؛ که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است».

طبق روایات، سابقه کعبه به زمان حضرت آدم علیه السلام برمی‌گردد.^۱ بنابراین سابقه مسجد همان سابقه زندگی بشر در کره زمین است؛^۲ اما در قرآن اولین کسی که به‌طور مشخص دست به بنای کعبه زده و آن را تجدید بنا نمود حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل است که داستانش در آیه ۱۲۷ سوره بقره

۱. مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۳۸۹؛ الحج و العمرة فی الکتاب و السنة، ص ۵۶ و ۶۳.
 ۲. در روایات و کتب تفسیری از کعبه به عنوان مسجد یاد شده است: از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «أول مسجد وضع فی الارض الکعبة ثم بیت المقدس...؛ اولین مسجدی که در زمین پدید آمد کعبه است و پس از آن بیت المقدس». الحج و العمرة فی الکتاب و السنة، ص ۵۶؛ مرحوم طبرسی در ذیل آیه ۱۲۷ سوره بقره: «و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربنا تقبل منا...؛ و به یاد آورد هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند؛ (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر». در تفسیر حمله «ربنا تقبل منا» می‌گوید: این جمله دلیل بر این است که حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام کعبه را به عنوان مسجد بنا کردند نه به عنوان مسکن (یا چیز دیگر)؛ چرا که در ازای بنای آن، از خدا درخواست پاداش نمودند و درخواست پاداش در موردی است که طاعت (و عبادتی) انجام گیرد. مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۳۸۹ و در ذیل آیه ۳۶ سوره نور: «فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ...» آورده است که برخی گفته‌اند مقصود از «بیوت» در این آیه چهار مسجدی است که توسط (چند تن از) انبیا بنا شده: کعبه که توسط ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام بنا گردیده و مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۲۲۷.

و آیه ۲۶ سوره حج آمده است. و با محوریت این بنای مقدس شهر مکه پدید آمد و به دنبال آن پس از قرن‌ها پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آیین اسلام و اُمت بزرگ اسلام ظهور نموده است.

مسجد در آیین موسی عَلَيْهِ السَّلَام

در سوره یونس آیه ۸۷ می‌خوانیم:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا
وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...».

«و به موسی و برادرش وحی کردیم که: برای قوم خود خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر [یا رو به قبله] قرار دهید و نماز را بر پا دارید». مفسران در تفسیر آیه یاد شده مطالب گوناگونی مطرح کرده‌اند از جمله این‌که: گفته‌اند مقصود این است که موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَام پس از نابودی فرعون وارد مصر و از سوی خدا مأمور شدند که برای بنی اسرائیل مسجد بنا کنند. گروهی از مفسران گفته‌اند فرعون دستور داده بود که مساجد بنی اسرائیل در مصر تخریب شود و آنان را از اقامه نماز منع کرده بود. لذا بنی اسرائیل مأمور شدند در خانه‌های خود مساجد و محل اقامه نماز تعیین نمایند و نمازهای خود را در آن اقامه نمایند.^۱

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۱۹۵؛ روح المعانی، ج ۷، جزء ۱۱، ص ۲۵۰-۲۵۱.

زیرا آنان موظف بودند در هر حال نمازشان را در معابد و مساجد برگزار نمایند.^۱

این تفسیرها، گویای این حقیقت‌اند که داشتن مسجد برای اقامه نماز، امری رایج بلکه از ضروریات در آیین موسی علیه السلام بوده است.

مسجد در آیین داوود و سلیمان علیهم السلام

در قرآن افزون بر مسجد، عبادتگاهی به نام «محراب» مطرح شده است. این واژه چهاربار به صورت مفرد^۲ و یک‌بار به صورت جمع (محراب) ^۳ در قرآن آمده است. برخی مفسران،^۴ محراب را به معنای مسجد یا جایگاه خاصی از آن دانسته‌اند.^۵ و از این جهت آن را محراب نامیده‌اند که محل محاربه و جنگ

۱. روح المعانی، ج ۷، جزء ۱۱، ص ۲۰۵ - ۲۵۱.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۷ و ۳۹؛ سوره مریم، آیه ۱۱؛ سوره ص، آیه ۲۱.

۳. سوره سبأ، آیه ۱۳.

۴. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۷۳۹ - ۷۴۰، ج ۷ - ۸، ص ۵۹۸؛ الکشاف، ج ۱، ص ۳۵۸.

۵. شایان ذکر است در مساجد صدر اسلام مانند مسجد قباء و مسجدالنبی چیزی بنام محراب وجود نداشت. زمانی که عمر بن عبدالعزیز به دستور ولید مسجد النبی را توسعه می‌داد در مکان نماز پیامبر صلی الله علیه و آله محراب درست کرد و از آن زمان به بعد ساخت محراب در مساجد رایج شد. ر.ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۲۱ - ۲۲۲. و محرابی که در آیین‌های پیشین رایج بود با محراب مساجد مسلمانان متفاوت بوده است زیرا آن محراب‌ها به صورت اتاقکی بود که از کف عبادتگاه بالاتر قرار داشت بطوری که چند پله می‌خورد. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۹.

۱۲۰ سیمای مسجد در قرآن

با شیطان و هوای نفس است، و برخی با توجه به معنای دیگر ماده «حرب» (عاری بودن) گفته‌اند وجه تسمیه آن به این نام این است که در آن مکان شایسته است انسان از هر نوع اشتغال به دنیا و آشفته‌گی خاطر، عاری باشد.^۱

در داستان داوود علیه السلام آمده است:

«آیا داستان شاکیان هنگامی که از «محراب» (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: نترس دو شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون میان ما به حق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن.»^۲

آیه بیانگر این حقیقت است که داوود علیه السلام برای خود محراب و مسجدی داشت که در آن به عبادت می پرداخت.

و در داستان سلیمان علیه السلام در آیه ۱۲ و ۱۳ سوره سبأ آمده است عده‌ای از جنیان مسخر و در خدمت وی بودند و از جمله کارهایی که برای او انجام می دادند این بود که برایش محراب‌ها می ساختند:

«و لِسُلَيْمَانَ الرَّيْحَ عُدُّهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ... وَ مِنْ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ... * يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ...»

۱. مفردات راغب، ص ۱۱۰.

۲. سوره ص، آیه ۲۱ - ۲۲.

«و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و عصر گاهان مسیر یک ماه را... و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند؛... آنها هرچه سلیمان می خواست برایش درست می کردند: معبدها و ...».

با توجه به معنایی که مفسران برای محراب و محاریب ذکر کرده اند استفاده می شود ساخت مسجد و حضور و عبادت در آن در عصر و آیین داوود و سلیمان رایج بوده است.

افزون براین، مسجد الاقصا که با همین نام در قرآن مطرح شده توسط سلیمان علیه السلام بنا شده است.^۱

این مسجد قبله اول مسلمانان و از مساجد تاریخی و بسیار مقدس است و پس از کعبه و مسجدالحرام بنا شده و طبق روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پانصد سال از بنای مسجدالحرام و کعبه تأسیس شده است.^۲ و آن حضرت فرمود: یک نماز در این مسجد معادل پانصد نماز (در مساجد معمولی) است.^۳

در آیه اول سوره اسراء سفر شبانه پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجدالحرام به مسجد الاقصا که مقدمه ای برای معراج او بوده مطرح شده است:

۱. مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۲۲۷ و ص ۵۹۸-۵۹۹.

۲. ر.ک: الحج والعمرة فی الكتاب والسنة، ص ۴۳ و ص ۵۶.

۳. همان، ص ۵۱.

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا...»^۱

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصا که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم برد تا برخی آیات خود را به او نشان دهیم».

در آیه یاد شده، مسجد الاقصا این گونه معرفی شده است: مسجدی است که خداوند گرداگردش را پر برکت قرار داده است: «الذی بارکنا حوله» این صفت بیانگر این است که مسجد الاقصا علاوه بر این که خود، مسجدی با برکت است اطراف آن نیز سرزمین با خیر و برکت است. ممکن است مقصود از این برکت، برکت ظاهری و مادی باشد؛ چرا که این مسجد در منطقه ای سرسبز و خرم و مملوّ از درختان و آب و آبادی واقع شده است و نیز ممکن است اشاره به برکات معنوی باشد؛ زیرا این سرزمین در طول تاریخ مرکز ظهور پیامبران بزرگ الهی و خاستگاه توحید و یگانه پرستی بوده است.^۱

نکته دیگر اینکه وصف «الاقصا» (دورتر) برای این مسجد به این جهت است که در قیاس با مسجد الحرام در نقطه دورتر و فاصله نسبتاً زیادی قرار دارد.^۲ در آیات بعدی سوره اسراء به تصرف و تسلط مسجد الاقصا توسط گروهی جنگجو و پیکار در دو نوبت در پی فسادگری بنی اسرائیل اشاره

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰.

۲. تفسیر الجلالین، ص ۳۶۴.

شده است:

«وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَتَتَعَلَّنَّ عَلُوءًا كَبِيرًا... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا»^۱

«ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد و برتری جویی بزرگی خواهید نمود... و هنگامی که وعده دوم فرا رسد آن چنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود و داخل مسجد الاقصا می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد آن شده‌اند و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند درهم می‌کوبند».

در این‌که دو بار فسادگری بنی اسرائیل و در مقابل دو بار ذلت و خواری ایشان توسط مردان پیکارگر و جنگجو و تسلط آنان بر مسجد الاقصاء و تخریب بلاد بنی اسرائیل کی و چگونه اتفاق افتاده یا در آینده اتفاق خواهد افتاد میان مفسران گفتگو و محل بحث است^۲ که به جهت ارتباط نداشتن به بحث ما از آن صرف نظر می‌شود.

۱. سوره اسراء، آیات ۴-۷.

۲. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۷.

مسجد در آیین زکریا علیه السلام

از آیات قرآن استفاده می‌شود مسجد و محراب در عصر و آیین زکریا علیه السلام و مریم علیها السلام نیز به عنوان محل عبادت مطرح بوده است، و مادر مریم زمانی که به او باردار شد نذر کرده بود که فرزندش (در صورت پسر بودن) خدمتگزار مسجد (بیت المقدس) باشد.

و مریم علیها السلام دارای محراب و عبادتگاه خاصی بوده که هر وقت زکریا که کفالت او را برعهده داشت در آن مکان بر او وارد می‌شد غذاها و میوه‌های متنوع خدادادی نزد او مشاهده می‌کرد... و با دیدن مقام و منزلت مریم علیها السلام در پیشگاه خداوند، زکریا علیه السلام که تا آن زمان فرزندی نداشت، از پرودگارش درخواست کرد که فرزندی پاک به او عنایت نماید. در پی درخواست او، فرشتگان به وی بشارت تولد یحیی علیه السلام را دادند در حالی که او در «محراب» ایستاده بود و نماز می‌گذارد.^۱

مسجد در عصر اصحاب کهف

مسجد به عنوان محل عبادت و پرستش خدای یکتا، در عصر اصحاب کهف نیز رایج بود. آنگاه که مردم از ماجرای آنها و بیدار شدنشان از خواب طولانی مدت، آگاه شدند طولی نکشید آنان از دنیا رفتند. به دنبال آن، مردم دو دوسته شدند: عده‌ای که منکر معاد بودند و می‌خواستند مسأله خواب و بیداری آنها

۱. سوره آل عمران، آیات ۳۵ - ۳۹.

به دست فراموشی سپرده شود پیشنهاد دادند که در غار گرفته شود تا برای همیشه از نظر مردم پنهان گردند.

اما گروهی که مؤمن و معتقد به رستاخیز بودند و مسأله خواب و بیداری اصحاب کهف را سندی مهم برای اثبات آن می دانستند نظرشان بر این بود که در کنار مدفن آنها مسجدی ساخته شود:

«وَكذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»^۱

«و این چنین مردم را متوجه حال آنها (اصحاب کهف) کردیم تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست، در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می گفتند: بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند و از آنها سخن نگوید که) پررودگارشان از وضع آنها آگاه تر است، ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنها فراموش نشود)».

مساجد خاص در قرآن

مسجد در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که در نوشته حاضر بطور مبسوط مورد بحث قرار گرفته است. در این جا مروری خواهیم داشت فیه مساجدی که به‌طور خاص در قرآن آمده است.

سه مسجد نامبرده در قرآن

در قرآن دو مسجد با نام خاص مطرح شده‌اند:

مسجد الاقصا که در مبحث «مسجد در آیین داوود و سلیمان علیهم‌السلام» مطرح گردیده است.

مسجد الحرام که در این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مسجد دیگری که در قرآن به آن اشاره شده مسجد قباء است؛ اما مسجد النبی که دوّمین مسجد بنا شده توسط پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است بطور خاص در قرآن مطرح نشده است؛ گرچه برخی مفسران مسجد مطرح شده در آیه ۱۰۸ سوره توبه را اشاره به این مسجد دانسته‌اند؛ ولی به لحاظ برخی قرائن این آیه مربوطه به مسجد قباء است که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل نهم: مسجد الحرام

مقدس ترین و با فضیلت ترین مسجد از نگاه قرآن و روایات مسجد الحرام است. درباره این مسجد در قرآن مطالب متنوعی به چشم می خورد که در این جا به اختصار مرور خواهیم کرد.

قداست مسجد الحرام

هر مسجدی به جهت انتساب به خدا، مقدس و دارای حرمت و شایسته احترام است؛ اما از میان آنها مسجد الحرام دارای حرمت و قداست ویژه و بی مانندی است. نام این مکان مقدس پانزده بار^۱ در قرآن و در همه موارد با صفت «الحرام» که بیانگر حرمت و قداست ویژه آنست آمده است.

۱. سوره بقره، آیات ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۶ و ۲۱۷؛ سوره مائده، آیه ۲؛ سوره انفال، آیه ۳۴؛ سوره توبه، آیات ۷، ۱۹ و ۲۸؛ سوره اسراء، آیه ۱؛ سوره حج، آیه ۲۵؛ سوره فتح، آیات ۲۵ و ۲۷.

قداست ویژه مسجدالحرام از این جهت است که برخی اموری که در خارج آن مجاز است در این مکان مقدس روا نیست، یا اموری که در بیرون آن، حرام است انجام دادنش در آن محیط مقدس، حرمت دو چندان دارد.

محوریت مسجد الحرام

پس از آن که قبله از بیت المقدس به سوی مسجدالحرام و کعبه تغییر کرد مسلمانان موظف شدند در هر نقطه‌ای از زمین که به سر می‌برند برای کارهایی که انجام آنها مشروط به رعایت جهت قبله است روبه سوی مسجدالحرام بنمایند:

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...»^۱

«نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم. اکنون تو را به قبله‌ای که از آن خوشنود باشی باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا باشید روی خود را به سوی آن برگردانید.»

این حقیقت که مسجدالحرام قبله همه اماکن در همه زمان‌ها است در آیات ۱۴۹ و ۱۵۰ سوره بقره نیز مورد تأکید قرار گرفته. افزون بر این، در آیه ۲۹ سوره

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۴.

اعراف آمده است:

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...﴾

«بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه یاد شده نقل شده که فرمودند: [مقصود این است که] در مساجد جدیدالتأسیس روی به سوی مسجد الحرام کنید.^۱

معنای این سخن این است که هر مسجد در هر نقطه‌ای که تأسیس می‌شود قبله و محور آن باید کعبه و مسجد الحرام باشد.

محدوده مسجد الحرام

از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که مسجد الحرام دارای محدوده بسیار گسترده و وسیع است. در آیه ۱۹۶ سوره بقره آمده است:

﴿... فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...﴾

«هرکس با ختم عمره، حج را آغاز کند آن چه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند) و هر که نیافت، سه روز در ایام

۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۴۳.

حج و هفت روز هنگامی که به وطن باز می‌گردید روزه بدارد، این ده روز کامل است (البته) این برای کسی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد».

به قرینه «لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام» مقصود از «المسجد الحرام» خصوص مسجد الحرام زمان نزول آیه یا مسجد الحرام فعلی نیست؛ زیرا مسجد الحرام محل زندگی و خانه کسی نیست. و لذا در روایات تا شعاع ۴۸ میلی جزء «عند المسجد الحرام» به حساب آمده است.^۱

و در آیه ۷ سوره توبه می‌خوانیم:

«كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»

«چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید و (پیمان خود را محترم شمردند)».

مقصود از «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» گروهی از عرب است که به صلح حدیبیه ملحق شدند این صلح در سرزمین حدیبیه (۱۵ میلی مکه) میان پیامبر ﷺ و مشرکان مکه منعقد شده ولی با این حال خداوند از آن به «عند المسجد الحرام» تعبیر فرموده که بیانگر وسعت محدوده آن است.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۰۱ با تصرف.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۰۱.

جهان شمولی مسجدالحرام

مسجدالحرام از آن جهت که محور و قبله همه اماکن و مساجد است، یک مرکز جهانی و متعلق به همگان است و بدین سبب همه مردم به شرط ایمان در استفاده و بهره‌مندی از فضای معنوی آن، برابر هستند و کسی در استفاده از آن بر دیگری تقدّم یا اولویت ندارد؛ خواه ساکن مکه و اطراف مسجدالحرام باشد و خواه از اماکن دیگر، وارد آن شود:

«... وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعِكِفُ

فِيهِ وَالْبَادِ...»^۱

«و مسجدالحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند».

از تعبیر «للناس» استفاده می‌شود این مکان مقدس برای همه مردم است و از «سواء العاکف فیه والباد» استفاده می‌شود که همه مردم در بهره‌مند شدن از آن، برابر هستند.

امنیت مسجدالحرام

جهان شمول بودن مسجدالحرام اقتضا دارد از امنیت کامل و همه جانبه برخوردار باشد و کسی حق هیچ‌گونه تعرض به حقوق دیگران را در آن مکان

۱. سوره حج، آیه ۲۵.

مقدس نداشته باشد. از این روی، خدای تعالی هر نوع تعرض و تجاوز به حقوق دیگران را در مسجدالحرام انحراف و ستمی نابخشودنی و ممنوع اعلام کرده است:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ
يُظْلَمِ نُزُوقَهُ مِن عَذَابٍ أَلِيمٍ».

«کسانی که کافر شدند و مؤمنان را از راه خدا باز داشتند و هم چنین از مسجدالحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذابی دردناکند) و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم».^۱

جنگ و دفاع در مسجدالحرام

علاوه بر ممنوعیت هر نوع ستم و تجاوز به حقوق دیگران در این مرکز مقدس، آغاز به جنگ و خونریزی حتی از جانب مسلمانان و با هدف مقدس هم صحیح نیست، مگر آن که به صورت دفاع در برابر دشمن متجاوز باشد که در این صورت جنگ در اطراف آن مانعی ندارد:

۱. سوره حج، آیه ۲۵.

«... وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوا فِيهِ فَإِنْ قَتَلْتُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»^۱

«و با آنها (مشرکان) در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم) جنگ نکنید؛ مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر در آنجا با شما پیکار کردند آنها را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران».

شایان ذکر است این مسأله یعنی امنیت مسجد الحرام و ممنوعیت تجاوز به حقوق دیگران و آغاز به جنگ در آن با توجه به گستردگی محدوده این نهاد مقدس، ابعاد وسیعی دارد.

تولیت و تعمیر مسجد الحرام

تولیت امور مسجد الحرام و رسیدگی به آن و آبادسازی این پایگاه مقدس، امری ارزشمند و افتخارآمیز است بطوری که بسیاری از حاکمان در طول تاریخ افتخار می کردند که به آنها عنوان خادم الحرم اطلاق شود و حتی این امر در میان عرب های جاهلی و پیش از اسلام نیز به عنوان یک کار افتخارآمیز بود تا جایی که برخی افراد فاقد ایمان و اعتقاد توحیدی به این سمت یعنی تولیت و تعمیر مسجد الحرام در برابر مؤمنان جهادگر تفاخر می کردند و آن را معادل ایمان به خدا و روز قیامت و جهاد در راه خدا می دانستند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۱.

«أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ
 بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ...»^۱
 «آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجد الحرام را
 همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان
 آورده و در راه او جهاد کرده است؟ این دو نزد خدا مساوی
 نیستند.»

تا سال نهم هجرت، مسلمانان قدرت و شرایط لازم برای تصدّی امور
 مسجد الحرام را به نحو کامل دارا نبودند؛ در این سال موظف شدند از ورود
 مشرکان به مسجد الحرام به طور کامل جلوگیری کنند و اداره امور آن را در اختیار
 خود بگیرند:

۱. سوره توبه، آیه ۱۹. درباره آیه یاد شده شأن نزول‌های متعددی نقل شده از جمله این
 که شخصی بنام «بریده» گوید «شبیّه» و «عباس» هر کدام تفاخر می‌کردند در این حال علی علیه السلام
 رسید و فرمود: به چه چیزی تفاخر می‌کنید؟ عباس گفت به من فضیلت و امتیازی داده شده
 که هیچ کس ندارد و آن این که من به حجاج آب می‌رسانم. شبیه گفت من امتیاز تعمیر
 مسجد الحرام را دارم. علی علیه السلام گفت: باین که از شما حیا می‌کنم اما با این سنّ کم امتیازی
 دارم که شما دو تا ندارید گفتند: امتیاز شما چیست؟ فرمود: با شمشیر بر خرطوم‌های شما
 کوبیدم تا این که به خدا و رسولش ایمان آوردید و عباس خشمناک برخاست و بر
 رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و گفت: آیا نمی‌بینی علی علیه السلام بامن چگونه سخن می‌گوید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله
 علی علیه السلام را طلبید و فرمود ماجرا چیست؟ علی علیه السلام گفت: من مطلب حقی را گفتم هر کس
 می‌خواهد ناراحت شود و هر کس می‌خواهد خشنود شود در این لحظه جبرئیل نازل شد
 و آیه یاد شده را آورده است. مجمع البیان، ج ۲ - ۱، ص ۲۳.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مشرکان ناپاکند؛ پس نباید از امسال (سال نهم هجری) نزدیک مسجد الحرام شوند.»

گرچه مشرکان اصرار داشتند متولی امور مسجد الحرام‌اند و حاضر نبودند به راحتی این امتیاز را از دست بدهند؛ اما خدا با صراحت فرمود: آنان شایسته چنین منصبی نیستند؛ زیرا اولاً نجس و پلیدند همان‌گونه که در آیه یاد شده اشاره شده و ثانیاً آنان به بهانه تصدی امور مسجد الحرام، مؤمنان را که اهالی واقعی مسجد الحرام‌اند، از ورود و استفاده از فضای معنوی این مرکز مقدس جلوگیری می‌کردند و آن را در انحصار خود قرار داده بودند و اصولاً شایسته چنین منصبی نیستند؛ زیرا گروهی بی‌تقوا و نادان هستند:

«وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ»^۲

«چرا خدا آنها را مجازات نکند با این که از عبادت مؤمنان و موحدان در مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزکارانند؛ ولی بیشتر آنها نادانند.»

۱. سوره توبه، آیه ۲۹.

۲. سوره انفال، آیه ۳۴.

و ثالثاً به جهت بی تقوایی و نادانی، حرمت مسجدالحرام را حفظ نمی‌کنند و در این نهاد الهی کارهایی لغو و بیهوده انجام می‌دهند:

«و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاءً و تصديئةً...»^۱

«نماز و عبادتشان نزد خانه خدا (و مسجدالحرام) چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود».

و از این گذشته، آنها به دلیل شرک و کفر، شایسته تولیت هیچ مسجد و مکان مقدسی نیستند تا چه رسد به مسجدالحرام که جای خود دارد:

«ما كان للمشركين أن يعمرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَهِيدِينَ عَلَي أَنفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»^۲

«مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد سازند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند آنها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده، و در آتش (دوزخ) جاودانه خواهند ماند».

شرایط تولیت مسجدالحرام

قداست ویژه این نهاد معنوی اقتضا می‌کند متولیان و متصدیان امور آن، از آلودگی و پلیدی کفر و شرک پاک باشند. علاوه بر این، از خود محوری و تنگ نظری مبرا و به تقوای الهی آراسته باشند:

۱. سوره انفال، آیه ۳۵.

۲. سوره توبه، آیه ۱۷.

«وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ»^۱

«چرا خدا آنها را مجازات نکند با این که از (عبادت
موحدان) در مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که
سرپرست آن نیستند؟ سرپرست آن فقط پرهیزگارانند؛
ولی بیشتر آنها نمی‌دانند».

شرایط متولیان این کانون معنویت در آیه ۱۸ سوره توبه به نحو کامل تری

بیان شده است:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ
الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ لَكَ أَنْ يَكُونَ
مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

«مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که: ایمان به خدا
و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را پردازد
و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت
یافتگان باشند».

مشرکان و مسجد الحرام

همان‌گونه که اشاره شد مشرکان مکه از عصر جاهلیت تا سال نهم هجرت

۱. سوره انفال، آیه ۳۴.

پیامبر ﷺ متصدی امور مسجد الحرام بودند و به این، افتخار می‌کردند و مشرکان جزیره العرب از نقاط مختلف، در ایام حج و غیر آن، به این مکان مقدس جهت زیارت و تجارت سفر می‌کردند؛ اما زیارت و حضورشان در این پایگاه الهی به انواع جهل و نادانی و امور خلاف اخلاق انسانی آمیخته بود. نماز و عبادتشان در مسجد الحرام و در کنار کعبه چیزی جز سوت و کف نبود:

«وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً...»^۱

«و زنان و مردان‌شان برای طواف کعبه با حالت لخت

و عریان و بدون داشتن هیچ نوع پوششی در صحن

مسجد الحرام حاضر می‌شدند و می‌گفتند این سنت نیاکان ما

است و خداوند به چنین امری فرمان داده است:

«وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا

بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ...»^۲

«و هنگامی که کار زشتی (طواف بدون پوشش) انجام

می‌دهند می‌گویند: پدران خود را براین عمل یافتیم؛

و خداوند ما را به آن دستور داده است. بگو: خداوند هرگز

به کار زشت فرمان نمی‌دهد.»

۱. سوره انفال، آیه ۳۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۸. مفسران گفته‌اند: مقصود از «اذا فعلوا فاحشه» انجام طواف

بدون لباس و پوشش است که در میان مردم جاهلیت رایج بوده است. مجمع البیان، ۴ - ۳،

ص ۶۳۳؛ الکشاف، ج ۲، ص ۹۹؛ المیزان، ج ۸، ص ۷۲.

از این امور که بگذریم جرم بزرگ مشرکان مکه در ارتباط با مسجد الحرام این بود که این مرکز جهانی و عمومی را مختص به خود می دانستند و از حضور مؤمنان و مسلمانان که اهالی و متصدیان واقعی مسجد الحرام بودند ممانعت به عمل می آورند و اجازه نمی داد آنان آن را زیارت کنند.^۱

و در سال ششم هجرت، پیامبر ﷺ به همراه مؤمنان از مدینه حرکت کردند و محرم شدند جهت انجام عمره مفرده اما مشرکان مانع شدند و رسول خدا ﷺ و مؤمنان نوزده روز در حال احرام در سرزمین حدیبیه - نزدیک مکه - ماندند و سرانجام مجبور شدند با انجام قربانی و تقصیر در همان مکان، از احرام بیرون بیایند و به مدینه برگردند:

«هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ
مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ...»^۲

«آنها (مشرکان مکه) کسانی هستند که کافر شدند و شما را از زیارت مسجد الحرام و رسیدن قرانی هایتان به قربانگاه باز داشتند.»

و جرم بزرگتر آنان در رابطه با مسجد الحرام این بود که پیامبر ﷺ و مؤمنان را از مسجد الحرام و مکه اخراج کردند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ
وَ صَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ

۱. سوره حج، آیه ۲۵.

۲. سوره فتح، آیه ۲۵.

أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ»^۱

«از تو درباره جنگ در ماه حرام سؤال می‌کنند؛ بگو: جنگ در آن، گناهی بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجدالحرام و اخراج ساکنان آن، نزد خدا مهم‌تر از آن است»^۲.

اما سرانجام در سال نهم هجرت با نزول آیات آغازین سوره براءت (توبه) و ابلاغ آن توسط امیرمؤمنان علی علیه السلام در موسم حج، مشرکان برای همیشه از حضور در مسجدالحرام و دخالت در امور آن ممنوع گردیده و در آیه ۲۸ این سوره ضمن تأکید بر ممنوعیت ورود و حضور مشرکان در مسجدالحرام، فلسفه آن این‌گونه بیان شده که آنان موجودات پلید و ناپاکی هستند و لذا حق نزدیک شدن به این مرکز پاک و مقدس را ندارند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ

الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...»^۳.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مشرکان پلید و ناپاکند پس نباید بعد از این سال (سال نهم هجری) نزدیک مسجدالحرام شوند».

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲. علاوه بر آیات یاد شده، مسأله ممانعت مشرکان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام در آیه ۲ سوره مائده نیز مطرح شده است.

۳. سوره توبه، آیه ۲۸.

گرچه ممکن بود در پی اجرای این دستور اکید الهی و نیامدن مشرکان به مکه، مشکلات اقتصادی خاصی برای مسلمانان پیش بیاید و آنان از این جهت نگران بودند برای رفع این نگرانی، خدای تعالی در ادامه آیه یاد شده فرموده است:

«و ان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء...».

«و اگر از فقر می ترسید خداوند هرگاه بخواهد شما را

به کرمش بی نیاز می سازد (و از راه دیگر جبران می کند).».

و در آیه ۳۴ سوره انفال ضمن تأکید بر ممنوعیت هرگونه دخالت مشرکان

و کفار در امور مسجدالحرام به دلیل بی تقوایی آنان، ایشان را به سبب ممانعت از

ورود مؤمنان به آن، مستحق عذاب الهی دانسته است:

«و ما لهم الا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

و ما كانوا اولياءه ان اولياؤه الا المتقون...».

«چرا خدا آنها را مجازات نکند با این که از حضور

و عبادت مؤمنان در مسجدالحرام جلوگیری می کنند

درحالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن فقط

پرهیزگارانند.».

سیمای مسجد در قرآن ۱۴۲

فصل دهم: مسجد قبا

این مسجد مقدس و تاریخی، با این نام در قرآن مطرح نشده است؛ ولی بنا به نظر بسیاری از مفسران،^۱ در آیه ۱۰۸ سوره توبه:

«... لِمَسْجِدٍ أُبَسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...»

از این مسجد سخن به میان آمده و مطالبی درباره آن و اهالی آن مطرح شده و در روایات متعدد،^۲ این تفسیر، مورد تأیید قرار گرفته است.

ساخت مسجد قبا

پیامبر ﷺ در هجرت از مکه مکرمه به مدینه، به محله قبا^۳ رسیدند و چند روزی

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۲۷؛ المیزان، ج ۹، ص ۳۹۰؛ جامع البیان، ج ۱۱، ص ۳۸.

۲. ر.ک: تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۷۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۶۷.

۳. محله قبا در حدود شش کیلومتری مدینه عصر پیامبر ﷺ قرار داشته، ولی اکنون جزء مدینه منوره است.

در آنجا ماندند. در اولین گام، مسجد قبا را به کمک اهالی مؤمن روستای قبا بنا نهادند و چند روزی که در آنجا حضور داشتند، در آن مسجد مقدس و تازه تأسیس نماز را به جماعت اقامه می‌کردند و تا زمانی که در حیات بودند هر چند وقت به قباء می‌رفتند و در مسجد آن نماز می‌خواندند.^۱

فضیلت مسجد قبا

خداوند از این مسجد به لحاظ این که براساس تقوا و اخلاص بنا شده ستایش و تمجید کرده و به حضور و اقامه نماز در آن تشویق و ترغیب نموده است:

«... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ

تَقُومَ فِيهِ...»^۲

«آن مسجدی که از روز نخست براساس تقوا بنا شده

شایسته‌تر است در آن به عبادت و نماز قیام کنی».

و پیامبر اعظم ﷺ درباره فضیلت حضور و نماز در آن فرموده است:

«مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءٍ فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ كَانَ

كَأَجْرِ عُمْرَةٍ».^۳

۱. نقل شده است که پیامبر ﷺ هر هفته گاه روز شنبه و گاهی روز دوشنبه به قبا می‌آمد

و در این مسجد نماز می‌خواند. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۴۷.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۳. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۴۶.

«کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد، آنگاه به مسجد قبا درآید و دو رکعت نماز بگزارد، ثواب یک عمره را برده است.»

اوصاف مسجد قبا

طبق این نظرکه مقصود از «لمسجد...» در آیه ۱۰۸ سوره توبه مسجد قبا است از این آیه استفاده می‌شود که مسجد قبا:

۱- مسجدی است که در اولین روزهای هجرت پیامبر ﷺ بنا شده است.

۲- مسجدی است که براساس تقوا و پرهیزکاری و رعایت قوانین الهی و با هدف و نیت مقدس بنا گردیده است.

۳- مسجدی است که شایسته است در آن قیام به عبادت و اقامه نماز شود.

۴- پاسداران و اهالی این مسجد انسان‌هایی پاک، درستکار و مؤمن‌اند که در راه تکامل و طهارت سیر می‌کنند و خداوند ایشان را دوست می‌دارد:

«... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»

«آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن به عبادت بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.»

و در آیه ۱۰۹ میان این مسجد بنا شده براساس تقوا و نیت خالص و مسجد ضرار که برای زیان رساندن و تقویت کفر و ایجاد اختلاف در صفوف مؤمنان و به عنوان پایگاه فعالیت دشمنان خدا و رسول او ایجاد گردیده مقایسه شده و ویژگی^۱ هر یک مورد اشاره قرار گرفته است.

«أمن أسس بنيانه على تقوى من الله و رضوان خير ام من أسس بنيانه على شفا جرف هار فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي القوم الظالمين».

«آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی کند».

به طور حتم بنایی که شالوده اش براساس تقوا و رضای خدا نهاده شده برای همیشه در تاریخ می ماند و منشأ خیر و برکت برای مؤمنان خواهد بود و این مسجد اکنون از مساجد زیبا و بزرگ مدینه است و همواره مورد زیارت و محل عبادت مجاوران و زائران حرم نبوی ﷺ است.

به تناسب نزول آیه ۱۰۸ توبه درباره مسجد قبا که در آن آمده «لمسجد اسس على التقوى من اول يوم...»؛ در آن زمان مسجد یاد شده را به نام «مسجد التقوى» می شناختند.^۲

۱. خصوصیات مسجد ضرار در مبحث مسجد ضرار در همین نوشته مطرح شده است.

۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۴۵.

فصل یازدهم: مسجد ضرار

مسجد ضرار

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ
أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا *
أَفَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مِنْ أَسَسَ
بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارِفًا نَهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ
تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۱

«گروهی از آنها منافقان کسانی هستند که مسجدی
ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان) و (تقویت) کفر
و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش

۱. سوره توبه، آیات ۱۱۰ - ۱۰۷.

با خدا و پیامبر مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می‌کنند که: جز نیکی (و خدمت) نظری نداشته‌ایم. اما خدا گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند. هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست. آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد. آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است یا کسی که اساس آن را برکنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌ریزد؟! و خدا گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند. این بنایی را که آنها ساختند، همواره به صورت یک وسیله شک و تردید، در دل‌هایشان باقی می‌ماند؛ مگر این که دل‌هایشان پاره پاره شود (و بمیرند و گرنه هرگز از دل آنها بیرون نمی‌رود) و خدا دانا و حکیم است».

بنای مسجد ضرار

آیات فوق درباره گروهی از منافقان است که برای تحقق بخشیدن به نقشه‌های شوم خود اقدام به ساختن مسجدی در مدینه کردند که بعداً بنام «مسجد ضرار» معروف شد.

خلاصه جریان بطوری که از تفاسیر و احادیث مختلف استفاده می شود چنین است: گروهی از منافقان نزد پیامبر ﷺ آمدند و عرض کردند به ما اجازه ده مسجدی در میان قبیله بنی سالم (نزدیک مسجد قبا) بسازیم تا افراد ناتوان و بیمار و پیرمردان از کار افتاده، در آن نماز بگزارند؛ وهم چنین در شب های بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند فریضه اسلامی خود را در آن انجام دهند، و این در موقعی بود که پیامبر ﷺ عازم جنگ تبوک بود.

پیامبر ﷺ به آنها اجازه داد ولی آنها اضافه کردند آیا ممکن است شخصاً بیایید و در آن نماز بگزارید؟ پیامبر ﷺ فرمود من فعلاً عازم سفرم، پس از بازگشت به خواست خدا به آن مسجد می آیم و در آن نماز می گزارم. هنگامی که پیامبر ﷺ از تبوک بازگشت نزد او آمدند و گفتند اکنون تقاضا داریم به مسجد ما بیایی و در آنجا نماز بگزاری و از خدا بخواهی ما را برکت دهد، و این در حالی بود که هنوز پیامبر ﷺ وارد دروازه مدینه نشده بود.

در این هنگام پیک وحی نازل شد و آیات فوق را آورد و پرده از اسرار کار آنها برداشت. و به دنبال آن، پیامبر ﷺ دستور داد مسجد مزبور را آتش زنند و بقایای آن را ویران کنند و جای آن را محل ریختن زباله های شهر سازند! ^۱

اهداف سازندگان مسجد ضرار

در آیه اول (آیه ۱۰۷) چهار هدف برای ساخت مسجد ضرار ذکر شده است

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۳۴.

و به عبارت دیگر، سازندگان این مسجد در سایه بنای آن چهار هدف را تعقیب می‌کردند:

۱- منظور آنها از بنای این مسجد آن بود که به اسلام و پیامبر ﷺ و مسجد او و مسلمانان زیان برسانند: «والذین اتخذوا مسجداً ضراراً» و چون هدف اصلی آنها زیان رساندن به اسلام و مسلمانان بود این مسجد در فرهنگ اسلامی به مسجد ضرار شهرت یافت و هر مسجدی که ویژگی این مسجد را داشته باشد نیز مسجد ضرار نامیده می‌شود.

منافقان در پوشش شعار کمک به بیماران و از کار افتادگان و تأمین منافع مسلمانان در واقع قصدشان مقابله با اسلام و پیامبر ﷺ و مسجد او بود به هر مقدار که بتوانند. و با این کار می‌خواستند مسجد پیامبر ﷺ از رونق بیافتد. و این از شیوه‌های دشمنان در مورد دین و جامعه دینی است که با استفاده از مقدسات و مذهب به مبارزه با مقدسات و مذهب می‌پردازند و در این ماجرا منافقان از مسجد استفاده کردند.

۲- تقویت پایه‌های کفر و شرک و کشاندن مردم به سمت بی‌دینی و دوری از اسلام: «وکفراً».

۳- ایجاد تفرقه و اختلاف میان مؤمنان: «و تفریقاً بین المؤمنین» زیرا آنها با ساختن این مسجد می‌خواستند دست کم عده‌ای از مؤمنان ساده و بی‌خبر از اهداف شوم منافقان را در آن مسجد جذب کنند و مسجد قبا یا مسجد پیامبر ﷺ را از رونق بیاندازند.

۴- هدف دیگر آنها از بنای مسجد ضرار این بود که پایگاهی درست کنند برای کسی که دشمن دیرینه خدا و رسول ﷺ او بود تا بتواند در پوشش مسجد برنامه‌های منافقانه خود را عملی کند: «و ارساداً لمن حارب الله و رسوله من قبل». این شخص مردی بود بنام «ابو عامر» که آیین نصرانیت را در زمان جاهلیت پذیرفته و در سلک راهبان درآمده بود، و از عبّاد و زهاد به شمار می‌رفت و نفوذ وسیعی در طائفه «خزرج» داشت.

هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کرد و مسلمانان گرد او را گرفتند و کار اسلام بالا گرفت و هنگامی که مسلمانان در جنگ بدر بر مشرکان پیروز شدند ابو عامر که خود روزی از بشارت‌دهندگان ظهور پیامبر ﷺ بود اطراف خود را خالی دید و به مبارزه با اسلام برخاست و از مدینه به سوی کفار مکه گریخت و از آنها برای جنگ با پیامبر اکرم ﷺ استمداد جست و از قبایل عرب دعوت کرد. او قسمتی از نقشه‌های جنگ «احد» را ضد مسلمانان رهبری می‌کرد....

هنگامی که غزوه احد پایان یافت و با تمام مشکلاتی که مسلمانان در این میدان با آن روبرو شدند آوازه اسلام بلندتر گردید و در همه جا پیچید او به سوی «هرقل» پادشاه روم رفت تا از او کمک بگیرد و با لشکری برای کوبیدن مسلمانان حرکت کند. ذکر این نکته نیز لازم است که بر اثر این تحریکات و کارشکنی‌ها، پیامبر ﷺ لقب «فاسق» به او داده بود.

بعضی می‌گویند مرگ، به او مهلت نداد تا خواسته خود را برای «هرقل» در میان بگذارد ولی در بعضی از کتب دیگر می‌خوانیم که او با «هرقل» تماس گرفت و به وعده‌های او دلگرم شد.

او پیش از آنکه بمیرد نامه‌ای برای منافقان مدینه نوشت و به آنها نوید داد که با لشکری از روم به کمکشان خواهد آمد، مخصوصاً توصیه و تأکید کرد که مرکزی برای او در مدینه بسازند تا کانون فعالیت‌های آینده او باشد. ولی از آنجا که ساختن چنین مرکزی در مدینه بنام دشمنان اسلام عملاً امکان‌پذیر نبود منافقان بهتر این دیدند که در زیر نقاب مسجد و به عنوان کمک به بیماران و معذوران این برنامه را عملی سازند. سرانجام مسجد ساخته شد و حتی می‌گویند جوانی آشنا به قرآن را از میان مسلمانان بنام «مجمع بن حارثه» به امامت مسجد برگزیدند. ولی وحی الهی پرده از روی کار آنها برداشت و شاید این که پیامبر ﷺ قبل از رفتن به تبوک دستور نداد شدت عمل در مقابل آنها به خرج دهند برای این بوده که هم وضع آنها روشن تر شود و هم در سفر تبوک ناراحتی فکری دیگری از این ناحیه نداشته باشد. نه تنها پیامبر ﷺ در آن مسجد نماز نگذارد بلکه دستور داد ابتدا آن را سوزانند و سپس دیوارهایش را ویران کردند و محل آن را مرکزی برای ریختن زباله‌ها قرار دادند.^۱

توجیه مسجد ساخت ضرار

منافقان برای رسیدن به اهداف شوم خود از پوشش زیبا و ظاهر فریب‌مانند مسجد استفاده کردند و برای توجیه ساخت مسجدی جدید در کنار مسجد قبا

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۳۸ به نقل از: مجمع البیان، تفسیر ابوالفتوح رازی،

فصل یازدهم: مسجد ضرار..... ۱۵۳

با تأکید تمام سوگند یاد می‌کردند با ساختن این مسجد جز احسان و نیکی (به بیماران و معذوران و به‌طور کلی به مسلمانان) قصد و نظر دیگری نداشتیم: «و لیحلفنَّ ان اردنا الا الحسنی».

این شیوه همیشگی منافقان است که با استتار در پس پرده‌های ظاهراً زیبا و توسل به انواع سوگندهای دروغ، تلاش می‌کنند افکار مؤمنان را از اهداف و حقیقت کار خود منحرف نمایند، اما خدا در مقابل، با تأکید تمام بر دروغگویی و دغلكاری آنها گواهی می‌دهد:

«و الله یشهد انهم لكاذبون».

برخورد با مسجد ضرار و سازندگان آن

خداوند در آیه ۱۰۸ توبه با تأکید به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که هرگز در این مسجد حاضر نشو و در آن، قیام به عبادت و اقامه نماز نکن:

«و لا تقم فیہ ابداً».

شیوه صحیح در مقابله با یک برنامه انحرافی این است که ابتدا از آن برنامه جلوگیری شود و سپس به جای آن، راه صحیح ارائه شود. لذا خداوند پس از نهی از حضور و عبادت در مسجد ضرار می‌فرماید: شایسته‌تر این است که در مسجدی قیام به عبادت و نماز کنی که شالوده آن در روز نخست بر تقوا و اخلاص گزارده شده است:

«...لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق

ان تقوم فیه»^۱.

کلمه «أحقّ» به معنای شایسته‌تر، در این جا برای مقایسه دو چیز در شایستگی نیامده بلکه برای مقایسه مسجد شایسته (مسجد قبا یا مسجد النبی) مسجد ضرار است. در هر حال، همان‌گونه که ذکر شد در پی دستور خداوند، پیامبر ﷺ افرادی را مأمور کرد که مسجد ضرار را تخریب نمودند و مکان آن را محل ریختن زباله قرار دادند.

از این دستور خدا و برخورد قاطع پیامبر ﷺ استفاده می‌شود که مسلمانان باید در شناخت و برخورد با منافقان دقیق و شدید باشند و در مورد هر بنایی که بنام مسجد ساخته و حتی آنچه در مساجد تبلیغ و بیان می‌شود و درباره کسانی که مدعی هستند اهل مسجدند کاملاً هوشیار باشند و فریب برخی ظواهر زیبا را نخورند؛ چرا که دشمن برای رسیدن به اهداف خود گاهی از مسجد علیه مسجد و بالاتر از آن، از دین علیه دین بهره می‌گیرد.

برای واکنش جامعه دینی از چنین خطرات، خداوند متعال یک مسجد، و به طور کلی یک کانون فعال و مثبت دینی و اجتماعی را، مسجد و کانونی معرفی می‌کند که از دو عنصر مثبت تشکیل گردد:

۱. در این که مقصود از «المسجد اسس علی التقوی من اول یوم...» مسجد قبا است یا مسجد پیامبر ﷺ در مدینه یا هر مسجدی که براساس تقوا بنا شده باشد، مفسران هر سه احتمال را مطرح کرده‌اند؛ اما با توجه به این که منافقان مسجد ضرار را نزدیک مسجد قبا ساخته بودند و با توجه به تعبیر «اول یوم» و ساخت مسجد قبا در اولین روزهای هجرت پیامبر ﷺ احتمال این که مقصود از آن مسجد قبا باشد مناسب‌تر است.

نخست شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد: «أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» و دیگر این که حامیان و پاسدارانش انسان‌هایی پاک و درستکار و باایمان و مصمم باشند: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا» از میان رفتن هر یک از این دو رکن اساسی باعث فقدان نتیجه و نرسیدن به مقصد است.^۱

فرجام مساجد ضرار و بانیان آن

در آیات ۱۰۹ و ۱۱۰ سرنوشت شوم بناها و مساجد ضرار و بانیان آن، بیان شده است. ابتدا در آیه ۱۰۹ مقایسه‌ای شده میان مؤمنان و صالحان که بناها و مساجدی هم چون مسجد قبا را بر پایه تقوا و اخلاص بنا می‌کنند و منافقانی که بناها و مساجدی هم چون مسجد ضرار که شالوده آن را بر کفر و نفاق و تفرقه و فساد قرار می‌دهند: کسانی که بناهای خود را بر شالوده تقوای الهی و خشنودی خدا بنا می‌کنند هم خودشان و هم بناهایشان مثبت و منشأ خیر و نیکی است و افرادی که بر پایه کفر و شیطنت و نفاق اقدام به تأسیس مؤسسات می‌کنند مانند کسانی‌اند که اساس بنای خود را بر کنار پرتگاه سست و بی‌دوام بنا نموده که ناگهان او را در آتش دوزخ ندامت و ناکامی فرو می‌برد.

«أَفَنْ أَسَسَ بُيُوتَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ

أَسَسَ بُيُوتَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارِفًا نَهَارَ يَهُ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ»

و چنین بناها و بانیانی هرگز در نظام الهی رونقی نخواهند یافت و پیروز

نخواهند شد «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ».

۱. اقتباس از تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۴۶.

و در آیه ۱۱۰ به لجاجت منافقان در کار خود از طرفی و سردرگمی آنها در اهداف خود از سوی دیگر، اشاره شده است: بنایی را که خودشان برپا نمودند همواره به عنوان یک عامل شک تردید در دل‌های آنها باقی می‌ماند:

«لَا يَزَالُ بُيِّنُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ».

و به رغم تخریب و نابودی آن به صورت یک عامل لجاجت و تردید در روح آنها هم چنان باقی می‌ماند مگر آنکه دل‌های آنها قطعه‌قطعه شود و بمیرند: «الا ان تقطع قلوبهم».

«والحمد لله رب العالمين».

فهرست منابع

- ١- قرآن كريم.
- ٢- آثار اسلامي مكه و مدينه، جعفر يان، رسول، مركز تحقيقات حج.
- ٣- احكام القرآن، ابن العربي، محمد.
- ٤- البداية و النهاية، ابن كثير الدمشقي، اسماعيل، بيروت، دارالفكر، ١٩٨٦.
- ٥- الحج و العمرة في الكتاب و السنة، رى شهرى، محمد، دارالحديث.
- ٦- الدر المنثور، السيوطى، جلال الدين، دارالفكر، بيروت.
- ٧- الكافي، كلينى، محمد بن يعقوب، تهران، دارالكتب الاسلامية، ٨ جلدى.
- ٨- الكشاف، زمخشرى، محمود بن عمر، نشر البلاغة، قم.
- ٩- الميزان فى تفسير القرآن، طباطبايى، سيد محمد حسين، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ٢٠ جلدى.
- ١٠- بحار الانوار، مجلسى، محمد باقر، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ قمرى، ١١٠ جلدى.
- ١١- تاج العروس، الزبيدى، محمد مرتضى، لبنان، دار مكتبة الحياة.
- ١٢- تفسير الجلالين، جلال الدين المحلى، جلال الدين السيوطى، بيروت، دارالمعرفة.
- ١٣- تذكرة الفقهاء، علامه حلى، مكتبة الرضوية، لاهياء الآثار الجعفرية.
- ١٤- تفسير الصافي، فيض كاشانى، محسن، مكتبة الصدر، تهران.
- ١٥- تفسير نور الثقلين، العروسى الحويزى شيخ عبدعلى بن جمعه، مؤسسه اسماعيليان قم.

- ۱۶ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۱۷ - جامع البیان، طبری، محمد بن جریر، دارالفکر، بیروت.
- ۱۸ - روح المعانی، محمود آلوسی، بیروت، دارالفکر.
- ۱۹ - زبدة البیان، محقق اردبیلی، مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- ۲۰ - فروغ ابدیت، سبحانی، جعفر، قم.
- ۲۱ - فروغ مسجد، جمعی از نویسندگان، مرکز رسیدگی به امور مساجد، تهران، مؤسسه فرهنگی تقلین.
- ۲۲ - کنز العمال، متقی هندی، الرسالة، بیروت.
- ۲۳ - لسان العرب، ابن منظور، جمال الدین محمد، قم، نشر ادب الحوزة.
- ۲۴ - ماهنامه مسجد.
- ۲۵ - مجمع البیان، طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، انتشارات ناصر خسرو.
- ۲۶ - مستدرک الوسائل، نوری، حسین، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸، چاپ اول.
- ۲۷ - معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین، قم، دارالکتب العلمیه.
- ۲۸ - میزان الحکمة، ری شهری، محمد، دارالحدیث.
- ۲۹ - وسایل الشیعة، حرعاملی، حسین، تهران، المکتبه الاسلامیه.